

هم‌سنجی ارزش اخلاقی اتحاد و الفت با مودت ذی‌القربی و تأثیر آن در رشد معنوی انسان از دیدگاه قرآن و حدیث^۱

صدیقہ امینی^۲

محمدرضا آرام (نویسنده مسئول)^۳

امیر توحیدی^۴

چکیده

نوشته پیش رو پژوهشی درباره‌ی "هم‌سنجی ارزش اخلاقی اتحاد و الفت با مودت ذی‌القربی و تأثیر آن در رشد معنوی انسان، از دیدگاه قرآن و حدیث" است. "ارزش اخلاقی" مطلوبیتی است که در اثر فعل یا صفت اختیاری برای روح انسان ساخته می‌شود و آرمان آن برآورده کردن خواسته‌های معنوی است. در این میان همبستگی و الفت دو عنصر اساسی در منظومه‌ی ارزش‌های اخلاقی اسلام برشمرده می‌شوند که در رشد معنوی فردی و اجتماعی نقش آفرین بوده و خود بستری برای نمو دیگر ارزش‌ها و صفات نیکو هستند.

از سویی "رشد معنوی" نیز فرآیندی است که انسان را به کمال و امور غیر مادی سوق می‌دهد. گرچه کاربرد ارزش‌های یاد شده، می‌تواند انسان را به کمال معنوی برساند؛ اما هستی اغواوات شیطان و نفس اماره همچون موانع راه رشد معنوی مایه‌ی سختی و به درازا انجامیدن روند و پیمایش روش یاد شده می‌شود. آنچه می‌تواند پیمودن این راه را برای انسان سهل و شتابان سازد و ضمانتی برای دستیابی وی به رشد و کمال معنوی گردد، پیوند ارزش‌های اخلاقی با مودت ذی‌القربی علیه السلام است. با آگاهی به اینکه آموزه‌های دین اسلام جاودانه بوده و کنش به آنها مایه‌ی سعادت، عزتمندی و رشد مادی و معنوی جوامع انسانی خواهد شد، پرسش بنیادین نوشته کنونی این است که پیوند ارزش‌های اخلاقی اتحاد و الفت با محوریت مودت ذی‌القربی و تأثیر کاربرد آن در رشد معنوی انسان چیست؟ در این راستا نگارندگان در پی بازنمایی این انگاره هستند که در دیدگاه اسلامی و بر پایه‌ی ادبیات دینی، می‌توان کارایی مستقیم همبستگی و الفت با محوریت مودت ذی‌القربی در رشد معنوی انسان را دریافت.

از همین رو پژوهشگران با اندیشه و بررسی ریزبینانه در آیات قرآن کریم و احادیث اهل‌بیت علیهم السلام و با بازگشت به منابع تفسیری، روایی و کتب اخلاقی و نیز با روش تحلیل محتوای آیات و احادیث که بر اساس الگوی بهره‌گیری هم‌زمان از روش استخراجی - درون آیات و روایات - و استنتاجی - اجتهادی - انجام می‌شود، تلاش می‌کنند به استنباط و استخراج کارایی ارزش‌های یاد شده در رشد معنوی از آیات و روایات و در چارچوب تحقیقی علمی بپردازند. یافته‌های پژوهش کنونی بر پایه‌ی آیات قرآن کریم و احادیث اهل‌بیت علیهم السلام نشان می‌دهد که پیوند مستقیم و استواری میان اتحاد و الفت با مودت ذی‌القربی علیه السلام برپاست و کاربرد این ارزش‌ها مایه‌ی دستیابی انسان به رشد معنوی خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: اتحاد و الفت، ارزش‌های اخلاقی، مودت، ذی‌القربی، رشد معنوی، قرآن کریم، احادیث اهل‌بیت علیهم السلام.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۲ ؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۲۰

۲. دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ s.amini65@yahoo.com

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ moh.aram@iauctb.ac.ir

۴. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ amir_tohidi_110@yahoo.com

طرح مسئله

انسان موجودی کمال‌گرا، خواهان رستگاری دنیوی و اخروی و رسیدن به مقام قرب الهی است؛ از این رو پیوسته، ابزار رشد معنوی و کمال خود را می‌جوید. برابر با ادبیات اسلامی، این ابزار رشد سراسر وابسته به توفیق الهی، معرفت و کنش افراد است. در این باره یکی از برجسته‌ترین کارها برای دستیابی به رشد معنوی، معرفت و سپس کنش به ارزش‌های اخلاقی و پرهیز از هر آن چیزی است که ضد ارزش و فرومایه شمرده شود. همبستگی و الفت از دسته‌ی ارزش‌های والای اخلاقی هستند که در رشد و تعالی معنوی فرد و جامعه نقش بی‌همتایی انجام می‌دهند و جایگاه ویژه‌ای در میان دیگر ارزش‌ها و سازه‌های رشد معنوی دارند و خود پایه و بستری برای دیگر ارزش‌ها قرار می‌گیرند.

در این میان؛ اما پیدایش موانع بسیار در راه رشد و کمال معنوی انگیزه‌ای می‌شود تا کاربرت درست ارزش‌های اخلاقی یاد شده و پیمایش راه رشد با سختی و روند طولانی شدنی شود و گاه نیز اغوائت شیطان و نفس اماره بر انسان چیره شده و او را از رشد معنوی بازدارند. در این میان آنچه می‌تواند کاربرت درست ارزش‌های یاد شده و پیمودن این راه را برای انسان سهل و شتابان سازد و ضمانتی برای دستیابی وی به رشد و کمال معنوی گردد، پیوند همبستگی و الفت با مودّت ذی‌القربی ﷺ است؛ زیرا مودّت در صدر کارویژه‌های حرکت‌زا و تحوّل‌آفرین است. به راستی دوستی و محبت، امری قلبی بوده و دل را وابسته می‌کند، دل به هر چه وابسته شد به سوی آن می‌رود و انسان را پیرو محبوب خود می‌کند. اگر آدمی از این گنجایش به درستی بهره برده و شایسته‌ترین افراد را محبوب خود برگزیند، بی‌تردید به سوی کمال و رشد حرکت خواهد کرد؛ بنابراین هر کس در کاربرت ارزش‌های اخلاقی مانند همبستگی و الفت، مودّت ذی‌القربی ﷺ را همراه سازد، بی‌گمان راه رشد معنوی را با آسانی و چالاکی بیشتری پیموده و تعالی معنوی او تضمینی خواهد بود. از همین رو بایسته است پیوند میان همبستگی و الفت با مودّت ذی‌القربی مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته و کارایی آن را در رشد معنوی انسان تبیین گردد.

بر همین اساس این نوشتار بر خود بایسته دانسته تا نگاهی هر چند اندک به این پرسمان افکند و افزون بر اشاره به معنا و مفهوم واژگان وابسته، برای نخستین بار، به واکاوی و بررسی پیوند همبستگی و الفت با مودّت ذی‌القربی ﷺ و کارایی آن در رشد معنوی انسان از دیدگاه قرآن و حدیث بپردازد؛ از این رو پاره‌ای از پرسش‌های این نوشتار بدین‌گزاره است:

معنا و مفهوم "اتحاد" و "الفت"، "ارزش‌های اخلاقی"، "مودّت ذی‌القربی" و "رشد معنوی" چیست؟ آیا اتحاد و الفت را می‌توان از مقوله‌ی ارزش‌های اخلاقی به شمار آورد؟ بر پایه‌ی ادبیات دینی اسلام، اتحاد و الفت از اساس رویدادی محبت‌زا و دوستی‌آفرین است؟ چه پیوندی میان این دو ارزش اخلاقی با محبت خدا و مودّت ذی‌القربی ﷺ استوار است؟ نقش و کارایی اتحاد و الفت در رشد معنوی انسان چیست؟



این پژوهش با انگاشتن اینکه بن‌مایه‌ی استوار برای پاسخ‌دهی به این پرسش‌ها قرآن کریم و احادیث اهل‌بیت علیهم‌السلام هستند، بر آن است تا با تکیه بر این کتاب پُر گوهر، سخنان دُرّربار اهل‌بیت علیهم‌السلام و بر اساس روش توصیفی-تحلیلی و روش کتابخانه‌ای گردآوری اطلاعات، بتواند به فهم درستی از پیوند اتحاد و الفت با مودت ذی‌القربی و کارایی آن در رشد معنوی انسان دست یابد.

۱. معنا و مفهوم واژگان بنیادین پرسمان

۱-۱. مفهوم ارزش اخلاقی

"ارزش‌های اخلاقی" در یک شناسه به مفهوم ارزش‌های فعلی، رفتاری یا نفسانی است که انسان، با اختیار آنها را انجام داده و خاستگاه آنها فعل اختیاری انسان یا برآیند کاری برآمده از اختیار وی است (امید، ۱۳۸۸ ش، ۳۹۰). همچنین در شناسه‌ای دیگر، بر عنصر مطلوبیت تأکید شده و "ارزش‌های اخلاقی" را نکاتی می‌داند که از نگرگاه اخلاق، مطلوبیت داشته باشد. بدین معنا که یا آرمان، دلخواه اخلاق است یا ابزاری است که انسان را به آن آرمان نزدیک می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰ ش، ۶۸). چنین پیداست که در یک جمع‌بندی می‌توان "ارزش اخلاقی" را چنین بازگو کرد: ارزش اخلاقی مطلوبیتی است که در اثر فعل یا صفت اختیاری برای روح انسان ساخته می‌شود و انگیزه‌ی آن برآوردن و تحقق خواسته‌ها و آرزوهای متعالی و معنوی است.

۲-۱. معنا و مفهوم اتحاد و الفت

۱-۲-۱. اتحاد

۱-۱-۲-۱. معنا

فراهیدی (م/۱۷۵ ق) "اتحاد" را از ریشه‌ی «وح د» به معنای یکی شدن دو پدیده و یگانگی داشتن معنا می‌کند (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ۸۴۲). جوهری (م/۳۹۳ ق) توافق و وحدت نظر را از معنای "اتحاد" می‌داند (جوهری، ۱۳۷۶ ق، ۵۴۷/۲؛ انوری، ۱۳۸۱ ش، ۲۳۰/۱). همچنین ابن‌اثیر (م/۶۰۶ ق) "اتحاد" را به معنای یک‌دلی و یک راستایی شناسایی می‌کند (ابن‌اثیر جزری، ۱۳۶۷ ش، ۱۶۰/۵؛ معین، ۱۳۸۳ ش، ۱۳۴/۱)؛ بنابراین اتحاد در لغت به معنای یگانگی داشتن، هم‌داستانی و اجتماع است و از این نگرگاه در برابر پنداره‌هایی مانند فراوانی، پراکندگی، دوگانگی و دودستگی است. از آنجا که همبستگی برابر نهاد واژه اتحاد است، در ادامه مطالب هر جا واژه همبستگی بکار رفت، همان معنای اتحاد مراد نگارنده است.

۲-۱-۲-۱. مفهوم

همبستگی در اصطلاح علوم اسلامی به این معناست که همه‌ی مسلمانان از هر ملت و مذهبی بر



محور باورهای دینی و آرمان مشترک گردهم آیند و برای رسیدن به خوشبختی دنیا و آخرت و قرب الهی، با همدلی تلاش کرده و با زدودن موانع فراروی خود پشتکار به خرج داده؛ به گونه‌ای که هیچ یک از ناهمگونی‌ها و دیدگاه‌های فقهی، جزئی، کلامی و تاریخی نتواند خللی به آن وارد سازد (شهرکی فلاح، ۱۳۹۷ ش، ۵۰).

۱-۲-۲. الفت

۱-۲-۲-۱. معنا

در دیدگاه فراهیدی (م/۱۷۵ ق) "الفت" مصدر و به معنای پیوستن چیزی به چیز دیگر است (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ۹۵) و ابن فارس (م/۳۹۵ ق) نیز بر همین مبنا گردآوری را به معنای پیوند بخش‌هایی از یک چیزی با بخش دیگر آن و همچنین به هم پیوستن چیزهای فراوان به یکدیگر معنا کرده است (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ۷۰). پس الفت و گردآوری به کنار هم قرار دادن اجزای یک چیز یا گروه اطلاق می‌شود.

۱-۲-۲-۱. مفهوم

«الفت» در دیدگاه بسیاری از علمای اخلاق به معنای انس گرفتن، التیام یافتن با هم، هم‌اندیشی در اداره‌ی زندگی و همکاری با یکدیگر در کارهای زندگی و جامعه است (ابن حمید، ۱۴۲۶ ق، ۴۹۵/۲؛ جرجانی شریف، ۱۳۷۰ ش، ۱۵؛ خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۷۳ ش، ۷۹؛ دوانی، ۱۳۹۱ ش، ۶۹؛ صادقی اردستانی، ۱۳۶۹ ش، ۲۶۹)؛ بنابراین الفت یکی از سرشت‌های اخلاقی و اجتماعی است که دل‌ها را به هم نزدیک، مهربان و همدل می‌کند و معیار و ملاک آن هم باید مهر انسانی و ارزش‌های معنوی باشد و ویژگی چنین پیوندهایی در کانون خانواده‌ها و تراز جامعه، زدودن کجی‌ها، کاستی‌های اخلاقی و فرهنگی و سرانجام دریافت بهره‌های مادی و معنوی خواهد بود.

۱-۳. مفهوم مودت ذی‌القربی در ادبیات دینی اسلام

با آگاهی به اینکه در مفهوم مودت ذی‌القربی و گزینش مصادیق آن میان امامیه و عاقله دو سخنی وجود دارد و از آنجا که قرآن کریم سرچشمه‌ی همدلی همه‌ی فرق مسلمین است، جا دارد تا پنداره‌ی ترکیب یاد شده از بررسی آیات شریفه دریافت گردد. ابتدا بایسته است به پنداره‌ی ترکیب "ذی‌القربی" اشاره کرد. "ذی‌القربی" در آیات گوناگونی به کار رفته (نک: البقره/۸۳ و النساء/۳۶؛ الأنفال/۴۱؛ النحل/۹۰؛ الحشر/۷؛ المائده/۱۰۶؛ الأنعام/۱۵۲؛ الإسراء/۲۶؛ الروم/۳۸؛ فاطر/۱۸) که بررسی‌ها نمایانگر آن است که در همه‌ی نکات، معنای ترکیب یاد شده به خویشاوندان رحمی و نسبی اشاره دارد؛ بدین گونه که در همان آیه یا آیات پیش، لفظاً یا تقدیراً از خویشاوند رحمی و نسبی، یادی به میان آمده است (عسکری، ۱۳۹۰ ش، ۲/۱۱۹). برابر با بسیاری از احادیث (نک: حرّعاملی، ۱۴۰۹ ق،



۵۰۹/۹؛ کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۴۱۳/۱؛ بحرانی، ۱۴۲۲ ق، ۲۳۰/۳-۲۴۱) و دیدگاه مفسرین فریقین (نک: حسکانی، ۱۴۱۱ ق، ۲۱۸/۱-۲۴۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ۴۸/۹؛ کوفی، ۱۴۱۰ ق، ۳۹۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۴۶/۱۸) در میان آیات یاد شده، تنها در دو آیه مشهور به خمس (الأنفال/۴۱) و فی (الحشر/۷) "ذی‌القربی" به معنای خویشاوندان رسول‌الله ﷺ است. اگرچه برخلاف جمهور علمای امامیه که گواه این ترکیب در آیات یاد شده را تنها ائمه علیهم‌السلام و حضرت زهرا علیها‌السلام می‌دانند (نک: طوسی، بی‌تا، ۱۲۲/۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ۸۳۵/۴؛ فاضل مقداد، ۱۳۷۳ ش، ۲۴۹/۱؛ مقدس اردبیلی، بی‌تا، ۲۰۸؛ ابن بابویه، ۱۴۱۵ ق، ۱۷۱؛ مفید، ۱۴۱۰ ق، ۲۴۳؛ طوسی، ۱۴۰۰ ق، ۱۸۶؛ محقق حلّی، ۱۳۸۵ ش، ۱۶۴/۱؛ عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ۶۱/۲-۶۲؛ قمی، ۱۳۶۳ ش، ۲۷۸/۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ۳۰۴/۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۱۰۴/۹)، مفسران عامه در تعیین مصداق آن دیدگاه‌های گوناگونی را پدید آورده‌اند که در یک دسته‌بندی کلی می‌توان دیدگاه‌های آنها را به سه نمونه تقسیم کرد (نک: طبری، ۱۴۱۲ ق، ۵/۱۰؛ شافعی، ۱۴۱۲ ق، ۵۱۸/۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ۴۸۴/۱۵؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ ق، ۵۵/۴؛ سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ۱۸۶/۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ۲۰۱/۵؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ ق، ۲۱۲/۲؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ۱۰۵/۹؛ رشید رضا، ۱۴۲۶ ق، ۷/۱۰): "ذی‌القربی" منحصر به بنی‌هاشم یا جمیع اهل قریش و یا همه‌ی خاندان بنی‌هاشم و بنی‌المطلب که دیدگاه واپسین دلخواه بسیاری از علمای عامه است.

در جمع‌بندی باید گفت که بی‌گمان ذی‌القربای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در ادبیات دینی، دربرگیرنده‌ی حضرت زهرا علیها‌السلام و ائمه علیهم‌السلام می‌شود، هرچند علمای امامیه تنها این بزرگواران را مصداق آیات خمس و فی می‌دانند؛ اما اندیشمندان عامه مصداق آن را توسعه داده و افزون بر انوار طیبه، دیگر افراد را نیز جزو مصداق برمی‌شمارند.

حال که برابر نوشتار پیش معنای ذی‌القربی بازشناخته شد، می‌بایست مودت القربی را بررسی کرد تا مبین گردد که روی هم رفته، قرآن کریم چه دیدگاهی نسبت به پنداره‌ی "مودت ذی‌القربی" دارد و مصداق بارز آن را چه کسانی می‌دانند. در آیه‌ی ۲۳ سوره‌ی شوری خداوند می‌فرماید: ﴿...قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ...﴾ (الشوری/۲۳).

درباره‌ی این آیه یادآوری چند نکته بایسته است:

۱. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با توجه به آیه (فی) و نیز آیه‌ی ﴿وَأَبَ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ﴾ و حق خویشاوند را بده ﴿(الإسراء/۲۶)﴾ نه تنها مجاز بود؛ بلکه وظیفه داشت آن را در راه‌های یاد شده مصرف کند که یکی از آن راه‌ها مصرف در زندگی ذی‌القربی بود. با توجه به این، حضرت، فدک را که از یهودیان خبیر بدون خونریزی و جنگ به غنیمت گرفته بود، به دخترش فاطمه زهرا علیها‌السلام بخشید. این سخنی است که بسیاری از مورخان شیعه و سنی به آن تصریح کرده‌اند. نک: عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ۲۸۷/۲؛ کوفی، ۱۴۱۰ ق، ۲۳۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ۴۷۸/۸؛ قمی، ۱۳۶۳ ش، ۱۸/۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ۱۵۸/۲ و ۲۷۳/۵؛ حسکانی، ۱۴۱۱ ق، ۴۳۹/۱ و ۴۴۱؛ فندوزی، ۱۴۲۲ ق، ۱۳۸/۱ و ۳۵۹.

نخست: جمهور علمای امامیه بر این باورند که مراد از «الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» مودت ذی القربای نبی ﷺ؛ یعنی مودت نسبت به اهل بیت ﷺ است که مصادیق آن منحصر در حضرت فاطمه زهرا ﷺ و ائمه اثنی عشر ﷺ می شود (نک: طوسی، بی تا، ۱۵۸/۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ۱۳۱/۲۲؛ ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸ ق، ۴۸/۱۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۴۳/۱۸). این دیدگاه دلخواه این نوشتار است و احادیث فراوانی در منابع فریقین در تفسیر آیهی شریفه بر پایه‌ی محبت و مودت اهل بیت ﷺ آن را تقویت می کند (نک: طبری، ۱۴۱۲ ق، ۱۵/۲۵؛ قتال نیشابوری، ۱۳۶۶ ش، ۱۹۱؛ هیشمی، ۱۴۱۴ ق، ۱۴۶/۹؛ مفید، ۱۴۱۳ ق، ۷/۲؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۳۵ ق، ۱۷۲/۳؛ بلاذری، ۱۳۹۷ ق، ۷۵۴/۲؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق، ۳۸/۴؛ حسکانی، ۱۴۱۱ ق، ۲۰۵/۲؛ کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۹۳/۸؛ حویزی، ۱۴۱۵ ق، ۵۷۳/۴؛ طبرانی، ۱۳۹۸ ق، ۲۶/۱۲؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ ق، ۳۱۴/۸؛ قرطبی، ۱۳۶۴ ش، ۲۴/۱۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ۴۴/۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ۳۳/۱۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ۲۰۰/۷؛ برقی، ۱۳۷۱ ق، ۲۴۱/۱؛ قمی، ۱۳۶۳ ش، ۲۷۵/۲). اما علمای عامه دیدگاه‌های بیشماری را در پنداره‌ی ترکیب یاد شده در میان گذاشته‌اند که به سان گزیده عبارتند از: دوستی و محبت انصار به پیامبر ﷺ و قریش (نک: فراء، ۱۹۸۰ م، ۲۲/۳)، دوستی قریش نسبت به پیامبر ﷺ و نبود دشمنی با ایشان (نک: طبری، ۱۴۱۲ ق، ۲۹/۲۰-۳۳؛ بغوی، ۱۴۲۰ ق، ۱۴۴/۴؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ ق، ۶۵/۴؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ ق، ۸۰/۵)، مودت نسبت به اصحاب کساء ﷺ (نک: زمشخری، ۱۴۰۷ ق، ۲۱۹/۴-۲۲۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ۵۹۵/۲۷؛ ابن عربی، ۱۴۰۸ ق، ۲۱۱/۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ۳۱/۲۵-۳۲؛ زحیلی، ۱۴۱۱ ق، ۵۷/۲۵-۶۴)، نسخ آیه مودت (نک: ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲ ق، ۳۳/۵؛ ثعلبی، ۱۴۱۸ ق، ۱۵۷/۵)، دوستی میان خویشاوندان و صله‌ی رحم (نک: ابن جزی، ۱۴۱۶ ق، ۲۴۸/۲؛ صدیق حسن خان، ۱۴۲۰ ق، ۱۹۸/۶؛ عربی، ۱۴۲۶ ق، ۹۴۸/۲) و مودت و تقرب به خدا (نک: مراغی، بی تا ۳۹/۲۵؛ ابراهیم الأبیاری، ۱۴۰۵ ق، ۱۳۶/۱۱؛ خرم دل، ۱۳۸۴ ش، ۱۰۲۷/۱).

دوم: مودت مورد درخواست پیامبر ﷺ از سنخ دوستی و محبت عادی به خویشاوندان ایشان نیست؛ بلکه بر پایه‌ی نص صریح قرآن کریم، پیوند مستقیم و استواری میان محبت و دوستی با فرمان برداری و تبعیت است: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ...» (آل عمران/۳۱). از سوی آیه‌ای دیگر، تبعیت و پیروی را در فرمان برداری از دستورات الهی و بیانات پیامبر ﷺ تفسیر می کند: «...فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي» (طه/۹۰). در جای دیگر فرمان برداری از خدا، رسول ﷺ و ائمه ﷺ قرین یکدیگر یاد می شود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...» (النساء/۵۹). پس مودت و محبت به ذوات مقدسه اگر به فرمان برداری و گردن نهادن به امامت آنان نینجامد، امری ناقص و ابتر است. به راستی بر اساس سیره‌ی عقلا می بایست میان اجر و آنچه سبب تقاضای چنین اجری است، هماهنگی برپا باشد؛ پس اجر رسالت نبی ﷺ نمی تواند تنها به دوستی اهل بیت او منحصر شود؛ بلکه



آنچه هماهنگ با رسالت اوست، مودت منجر به پذیرش ولایت و تبعیت محض از آنان است. بنابراین با نگرش به پنداره‌ی ذی القربی در دو آیه‌ی گذشته و نیز پنداره‌ی مودت قربی در آیه‌ی واپسین، می‌توان به این برآیند رسید که مودت ذی القربی از دیدگاه ادبیات دینی به معنای دوستی و محبت به همراه پذیرش امامت، ولایت و فرمان برداری محض از اهل بیت علیهم السلام قلمداد می‌شود که مصادیق آن منحصر در حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و ائمه اثنی عشر علیهم السلام است.

۱-۴. مفهوم رشد معنوی

"رشد معنوی" انسان عبارت است از سیر اختیاری و عملی که روح در درون سرشت خود به سوی خدا می‌پیماید تا به مقامی برسد که خود را عین دل بستگی و پیوند به او بیابد که بر اثر آنها توانایی بالقوه‌ی انسان برای رسیدن به صفت وجودی کمال به فعلیت می‌رسد. اگرچه این سیر، تابع جایگاه زمانی، مکانی، رخدادهای مادی و جهانی نیست؛ بلکه وابسته به روح و دل آدمی است و شرایط مادی، تنها نقش فراهم کردن زمینه‌ی سیر و سلوک را بر عهده دارند و کارایی مستقیمی در رشد معنوی انسان ندارند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰ ش، ۷۹). به بیان دیگر "رشد معنوی" دستاورد اقدامات هدایت‌گرانه‌ای است که برای ایجاد، ابقا و اکمال استعدادهای معنوی در حوزی پیوند با هستی متعالی، باور به غیب، باور به رشد و بالندگی انسان انجام می‌پذیرد. این بُعد وجودی انسان، نهادی است و در برآیند انجام تمرینات و مناسک مذهبی، دگرگون شده و پیشرفت می‌یابد (نجفی و دیگران، ۱۳۹۴ ش، ۱۳۵).

بنابراین رشد معنوی، فرآیندی است که فرآورده‌ی آن گرایش نهادی انسان، بسته به کمال و کارهای غیر مادی مانند علم و دانایی، خیر و نیکی، فضایل اخلاقی، جمال و زیبایی، تقدیس و پرستش است که وی را به تلاش و کوشش در دستیابی به کارهای یاد شده و زدایش موانع راه واداشته و در پایان، انسان را به سوی راستینگی متعالی سوق می‌دهد.

۲. نقش بنیادین مودت ذی القربی در کارآمدی ارزش‌های اخلاقی و رشد معنوی انسان

آموزه‌های اسلام ضامن خوشبختی بشر و آرمانش رشد معنوی و رسیدن او به مقام قرب الهی است که برابر آیات قرآن کریم و احادیث اهل بیت علیهم السلام محبت و مودت از ارکان بنیادین نظام تربیتی دین بوده و مرکزیت آن در محبت به خداوند تبارک و تعالی خلاصه می‌شود. برای نمونه امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: «الدِّينُ هُوَ الْحُبُّ وَ الْحُبُّ هُوَ الدِّينُ» (برقی، ۱۳۷۱ ق، ۲۶۳/۱): دین همان محبت و محبت همان دین است.

از سویی مودت و محبت نسبت به ذی القربی شاخه‌ای از محبت خداوند است که راه کسب فضایل و مقامات عالیه را به روی انسان می‌گشاید، از رذایل می‌کاهد و برآیند اینکه رستگاری و رشد

انسان را به ارمغان می‌آورد؛ چراکه برابر فرمایش امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه‌ی کبیره، حضرات معصوم، پیشوایان هدایت و چراغ‌های تاریکی: «...أَلْسَلَامُ عَلَى أَيْمَةِ الْهُدَى وَ مَصَابِيحِ الدُّجَى...» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۳۷۵/۹۷) و برترین و پایدارترین راه راست هستند: «...أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ السَّبِيلُ الْأَعْظَمُ...» (همان، ۱۲۹/۹۹) که هر کس به سیره‌ی رفتاری و گفتاری آنان تمسک کند، نجات می‌یابد و در غیر این صورت هلاک خواهد شد: «مَنْ أَتَاكُمْ نَجَى وَ مَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكْ» (همان). دلیل آن نیز به روشنی پیداست؛ زیرا کلام آنان نور و فرمان‌هایشان مایه‌ی رشد معنوی است: «...كَلَامُكُمْ نُورٌ وَ أَمْرُكُمْ رُشْدٌ...» (همان، ۱۳۲). همچنین وفق آیات قرآن کریم، اتّصاف به ارزش‌های اخلاقی و اعمال نیکو همراه با مودّت نسبت به اهل‌بیت علیهم السلام می‌تواند در رشد معنوی کارایی داشته باشد؛ چراکه می‌فرماید: «...قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَ مَنْ يَتَّقِرْفَ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا...» (الشوری/۲۳). در این آیه "او" عاطفه بوده (درویش، ۱۴۱۵ ق، ۲۹/۹) و از دیدگاه بسیاری از مفسّرین "حسنه" دربرگیرنده‌ی ارزش‌های اخلاقی می‌شود؛ زیرا "حسنه" هر گونه کار، اندیشه و باور نیکی را که با رستگاری انسان سازگار باشد دربرمی‌گیرد؛ چراکه هیچ گونه انگیزه‌ای بر کران‌مند کردن معنی حسنه وجود ندارد (نک: فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ۵۹۶/۲۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ۱۸۱/۱۶ و ۵۵/۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ۵۳۰/۲؛ نظام الأعرج، ۱۴۱۶ ق، ۷۴/۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ۳۳/۱۳؛ نهاوندی، ۱۳۸۶ ش، ۴۸۰/۵؛ طیب، ۱۳۶۹ ش، ۴۸۲/۱۱). از سویی زیادت‌ر کردن حُسن عمل نیز به این است که راستاهای کاستی اعمال را تکمیل می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۴۸/۱۸؛ بقاعی، ۱۴۲۷ ق، ۶۲۵/۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ۳۳/۱۳؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق، ۱۷۶/۲۰)، بر کارایی و نیکی آن می‌افزاید و مایه‌ی رشد و کمال معنوی می‌شود (سمرقندی، ۱۴۱۶ ق، ۲۴۲/۳؛ حقی برسوی، بی‌تا، ۳۱۲/۸؛ مراغی، بی‌تا، ۳۹/۲۵؛ نهاوندی، ۱۳۸۶ ش، ۴۸۰/۵؛ طیب، ۱۳۶۹ ش، ۴۸۲/۱۱؛ طنطاوی، ۱۹۹۷ م، ۳۲/۱۳). البته مودّت و محبّت نسبت به ذوات مقدّسه، زمانی در رشد و کمال انسان کارساز است که صادقانه بوده و محب، به همه‌ی ابزار محبّت، پایبندی عملی داشته باشد. به راستی بر پایه‌ی نصّ صریح قرآن کریم، پیوند مستقیم و استواری میان محبّت و دوستی با فرمان‌برداری و تبعیت استوار است: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ...» (آل عمران/۳۱). از سویی آیه‌ای دیگر، تبعیت و پیروی را در فرمان‌برداری از دستورات الهی و بیانات پیامبر صلی الله علیه و آله تفسیر می‌کند: «...فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي...» (طه/۹۰). در جای دیگر فرمان‌برداری از خدا، رسول صلی الله علیه و آله او و ائمه علیهم السلام قرین یکدیگر یاد می‌شود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...» (النساء/۵۹). پس مودّت و محبّت به ذوات مقدّسه اگر به فرمان‌برداری و گردن نهادن به امامت آنان نینجامد، امری ناقص و ابتر است.

۳. همبستگی و الفت، مصادیقی از ارزش‌های اخلاقی در نگاه دینی

پی‌جویی گزاره‌های ادبیات دینی نشان می‌دهد که می‌توان همبستگی و الفت را از جمله مصادیق



ارزش‌های اخلاقی دانست. برای نمونه پیامبر اکرم ﷺ الفت با مردم را یکی از فضایل اخلاقی برشمرده و می‌فرماید: «أَحْسَنُكُمْ اخْلَاقًا الَّذِينَ يَأْلِفُونَ وَيُؤْلَفُونَ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق، ۴۵): نیک‌خوترین شما کسانی هستند که الفت جویند و الفت پذیرند.

ایشان همچنین در فرمایشی دیگر، در کنار بیان صفات ارزشمند و فضایل اخلاقی مؤمنین، «الفت» را یکی از صفات و فضایل ایشان بیان می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ أَلْفٌ مَأْلُوفٌ...» (نوری، ۱۴۰۸ ق، ۴۵۰/۸) و باور دارند کسی که اهل الفت و انس با دیگران نباشد، خیری در او نیست: «الْمُؤْمِنُ يَأْلَفُ وَ يُؤْلَفُ وَ لِاخِيرِ فِيمَنْ لَا يَأْلَفُ وَ لَا يُؤْلَفُ...» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۱۰۲/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۳۰۹/۶۷).
نگاهی به احادیث بیانگر این نکته است که «همبستگی» نیز یکی از مصادیق ارزش‌های اخلاقی است؛ مانند فرمایش امیرالمؤمنین علی ﷺ که برترین و شریف‌ترین مردانگی و فضایل را اخوت و برادری می‌دانند: «أَشْرَفُ الْمَرْوَةِ حُسْنُ الْأَخْوَةِ» (تمیمی آمدی ۱۴۱۰ ق، ۱۹۲).

امام سجاد ﷺ در دعای بیستم از صحیفه‌ی سجّادیه - دعای مکارم الأخلاق - به درخواست از خدا برای کسب اخلاق نیک و انجام کارهای پسندیده و همچنین دوری از رذائل اخلاقی می‌پردازد و از جمله فضایل اخلاقی که در چند فراز از این دعا بر آن تأکید فرموده‌اند، «همبستگی» است. در همین زمینه حضرت پس از بیان فضایل اخلاقی بی‌شمار، از خداوند می‌خواهند که همه‌ی منش‌های اشاره شده را با صفت همبستگی و همراهی با جماعت مسلمین کامل سازد: «... وَ أَكْمِلْ ذَلِكَ لِي... وَ لِرُؤُومِ الْجَمَاعَةِ...» (منسوب به علی بن حسین ﷺ، ۱۳۷۶ ش، ۹۶). این گزاره نشان از جایگاه والا و اهمیت این ارزش اخلاقی در میان دیگر فضایل دارد.

در فرازی دیگر، امام ﷺ همبستگی و اصلاح میان مردم را یکی از فضایل اخلاقی انسان‌های شایسته و پرهیزگار بیان کرده و از خداوند تقاضای بهره‌مندی از این صفت والا را دارند: «... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ حَلِّبْنِي بِحَلِيَّةِ الصَّالِحِينَ، وَ أَلْبَسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ... وَ صَمِّمِ أَهْلَ الْفُرْقَةِ وَ إِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ...» (همان): بار خدایا بر محمد و آل او درود فرست و مرا به زیور شایستگان بیارای و زینت اهل تقوا را در این امور بر من ببوشان: ... خاموش کردن آتش فتنه و جمع کردن پراکندگان و اصلاح بین مردم.

سپس ایشان در فرازهای دیگری از این دعای والا، پابرجایی بهره‌مندی از فضیلت اخلاقی همبستگی و گرفتار نشدن در دوگانگی و تفرقه را از خداوند درخواست می‌فرمایند: «... وَ لَا جُمَاعَةَ مَنْ تَفَرَّقَ عَنْكَ وَ لَا مُفَارَقَةَ مَنْ اجْتَمَعَ إِلَيْكَ...» (همان): و مپسند به کسی که از تو دور است، نزدیک شوم و از آنکه با تو همراه است جدا گردم.

بنابراین امام ﷺ در این فراز به این نکته اشاره دارند که کاربست فضیلت اخلاقی همبستگی، می‌بایست در جای خود و میان خداجویان و انسان‌های مؤمن استوار باشد و نه با کسانی که از خداوند دور هستند.

"همبستگی" چنان فضیلتی دارد که پیامبر اکرم ﷺ در کنار سفارش به حفظ همبستگی و اجتماع و پرهیز از تفرقه و جدایی: «إِيَّهَا النَّاسُ عَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْفُرْقَةَ» (متقی الهندی، ۱۴۱۳ ق، ۲۰۶/۱) همبستگی و اجتماع را رحمت و تفرقه را عذاب می‌داند: «الْجَمَاعَةُ رَحْمَةٌ وَ الْفُرْقَةُ عَذَابٌ» (کراجکی، ۱۴۱۰ ق، ۲۷).

ارزش الفت و همبستگی همچون ارزش‌های والای اخلاقی به اندازه‌ای است که امام صادق ﷺ، خداوند را سبب الفت جامعه معرفی می‌فرماید: «أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ سَبَبُ الْفَتَةِ الْخَلْقِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۱۴۴/۹۷) و امیرالمؤمنین علی ﷺ الفت بین مردم را کاری سخت و گاه نشدنی معرفی می‌کنند: «إِزَالَةُ الرَّوَاسِي أَسْهَلُ مِنْ تَأْلِيفِ الْقُلُوبِ الْمُتَنَافِرَةِ» (همان، ۱۱/۷۸) و از همین رو همبستگی بین امت اسلامی را متنی از سوی خداوند بر مردم می‌داند: «...فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَدْ اِمْتَنَّ عَلَى جَمَاعَةٍ هَذِهِ الْأُمَّةِ فِيمَا عَقَدَ بَيْنَهُمْ مِنْ حَبْلِ هَذِهِ الْأَلْفَةِ الَّتِي يَنْتَقِلُونَ فِي ظِلِّهَا...» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق، ۲۹۹).

به خاطر جایگاه و اهمیت این دو ارزش اخلاقی است که بیشتر دستورالعمل‌های سیاسی، اخلاقی و عملی اسلام برای همبستگی و الفت بین مردم متدین است؛ بنابراین پافشاری اسلام بر پیروی از بهترین انسان‌ها - اهل بیت ﷺ - و حُسن معاشرت، رعایت حقوق دیگران، بازگویی محبت و... در راستای زمینه‌سازی برای هماهنگی روانی و تقویت رشته‌ی الفت و محبت میان مردم است. از همین رو محور الفت و همبستگی نیز باید بر اساس فرمان‌برداری از فرامین الهی باشد که در روایتی امیرالمؤمنین ﷺ فرمودند: «طُوبَى لِمَنْ يَأْلَفُ النَّاسَ وَيَأْلُقُونَهُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ» (ابن شعبه حرّانی، ۱۴۱۴ ق، ۲۱۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۵۶/۷۸): خوشا به حال آن که در راه طاعت و عبادت خدا با مردم انس می‌گیرد و مردم نیز با او الفت برپا می‌کنند.

پس محور الفت، طاعات و عبادات الهی است؛ ولی چنانچه انس و الفت با انسان‌هایی باشد که به سوی معصیت انسان را سوق می‌دهند، این انس و الفت از سوی اسلام دلی‌پذیر و شایسته نیست؛ از این رو نگاهی به دستورالعمل‌های دین، نشان‌دهنده‌ی تقویت انس و الفت بر طاعت الهی است. برای نمونه اقامه‌ی نماز در هر روز پنج نوبت به صورت جماعت، یا نماز جمعه در هر هفته و یا گردآوری مردم یک شهر یا روستا در سال برای اقامه‌ی نماز عید فطر و قربان، حج و... همه برای انس و الفت مسلمین و همبستگی هرچه بیشتر مؤمنین در برابر کفار و منافقین است.

۴. سنجش پیوند همبستگی و الفت با محبت و مودت

پیش از بررسی پیوند این دو مؤلفه‌ی اخلاقی با مودت ذی‌القربی، باید دید که آیا از اساس ارزش‌های یاد شده، گنجایش بایسته و ممکن را برای پیوند با دوستی و محبت دارند؟ به عبارت دیگر آیا مؤلفه‌های یاد شده، دوستی‌زا و محبت‌آفرین هستند؟

همبستگی و الفت پیوندی دو سویه با محبت و دوستی دارد، بدین معنا که هم همبستگی و الفت



مایه‌ی استواری پیوندهای دوستانه و محبت‌آمیز است و هم دوستی و محبت انگیزه‌ی ایجاد یکدلی و وحدت قلمداد می‌شود.

روی هم رفته لازمه‌ی دستیابی به جامعه‌ای که در آن محبت و دوستی میان افراد موج می‌زند، این است که آن جامعه بر اساس احساس مسئولیت، همبستگی، همدلی و همیاری استوار شده باشد؛ چنین جامعه‌ای همبسته، یکدل و پیوسته به یکدیگر است و هرکدام از اعضای آن همان‌گونه که مسئولیت خویش را بر عهده دارند، مسئولیت دیگران را نیز بر عهده می‌گیرند. در این جامعه، انسان‌ها در رویارویی با مشکلات و مصائب، خود را تنها و رها نمی‌بینند و از همیاری و هدایت دیگر اعضای جامعه در راستای حل مشکل خود برخوردار خواهند بود.

هویداست هنگامی که در پیوندهای اجتماعی، همبستگی و همکاری در راستای رفع گره و چالش ایجاد شود، خود به خود محبت‌زا و دوستی‌آفرین است. البته همبستگی، تنها در راستای گشودن گره‌ها و دشواری‌های یکدیگر نیست؛ بلکه در دیگر ساحت‌های زندگی اجتماعی نیز نقش‌آفرین است و مایه‌ی ایجاد محبت و دوستی می‌شود.

از سویی همان‌گونه که همبستگی محبت‌زاست، نبود همدلی و همبستگی مایه‌ی گسست دوستی‌ها شده و پیوندهای محبت‌آمیز استوار نمی‌شود. در همین زمینه امیرالمؤمنین علی علیه السلام در فرمایشی به پیوند نبود وحدت و یکپارچگی و کارایی آن در گسست پیوندهای دوستانه اشاره می‌فرماید: «إِنَّمَا أَنْتُمْ إِخْوَانٌ عَلَى دِينِ اللَّهِ، مَا فَرَّقَ بَيْنَكُمْ إِلَّا حُبُّ السَّرَائِرِ وَ سَوْءُ الضَّمَائِرِ؛ فَلَا تَوَازُونَ (تَأْزِرُونَ) وَ لَا تَنَاصِحُونَ وَ لَا تَبَازِلُونَ وَ لَا تَوَادُّونَ» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق، ۱۶۸): شما برادر دینی یکدیگرید و آنچه میان شما جدایی انداخته، درون پلید و بدنهادی است، به این سبب باری از دوش همدیگر برنمی‌دارید و برای هم خیرخواهی نمی‌کنید و به هم بذل و بخشش نمی‌کنید و با هم دوستی نمی‌ورزید.

پیرامون پیوند الفت و محبت نیز باید اشاره داشت که از اساس بنیان الفت بر محبت و دوستی است؛ چه اینکه در معنای الفت - که پیش‌تر اشاره شد- آن را به برپایی پیوندها و دوستی (جوهری، ۱۳۷۶ ق، ۱۳۳۲/۴؛ فیومی، ۱۴۱۴ ق، ۱/۱۸) و انس گرفتن به چیزی یا کسی معنا می‌کنند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ۲۰).

همچنین در ادبیات دینی اسلام، به کارایی الفت در ایجاد محبت و دوستی اشاره شده است. برای نمونه خداوند در سوره‌ی مبارکه‌ی آل‌عمران می‌فرماید: «...فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا...» (آل‌عمران/۱۰۳). برابر این آیه‌ی شریفه، به واسطه‌ی الفت در میان انسان‌هاست که دوستی و برادری و پیوندهای محبت‌آمیز در جامعه ایجاد می‌گردد، از همین رو الفت مایه‌ی ایجاد برادری و دوستی است. این گزاره از راه استناد به کلام معصومین نیز قابل بازنمایی است؛ زیرا امیرالمؤمنین علیه السلام در فرمایشی اشاره دارند که هر کس با مردم الفت بگیرد، مورد دوستی و محبت مردم قرار می‌گیرد: «مَنْ تَأَلَّفَ النَّاسَ أَحَبَّهُ...» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق، ۵۸۵) و در فرمایشی دیگر انگیزه‌ی آن را چنین بیان می‌دارند که

دل‌های مردمان رمنده است، پس اگر کسی از راه الفت، این دل‌ها را رام کند، مردم به او خو می‌گیرند: «قُلُوبُ الرِّجَالِ وَحَشِيَّةٌ، فَمَنْ تَأَلَّفَهَا أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۱۷۸/۷۴).

از همین رو به تعبیر حضرت، سزاوارترین مردم به خو گرفتن، کسی است که مهربان و اهل الفت باشد: «أَحَقُّ النَّاسِ أَنْ يُؤَنَّسَ بِهِ الْوَدُودُ الْمَأْلُوفُ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق، ۱۹۱).

برابر آنچه تاکنون به آن اشاره شد، بازشناخته گردید که همبستگی و الفت، انگیزه و مایه‌ی ایجاد محبت و دوستی هستند؛ اما از زاویه‌ی دیگری نیز می‌توان به این پیوند نگریست و پیوستگی میان همبستگی و الفت با محبت و دوستی را بازنمایاند؛ بدین معنا که پیوندهای دوستانه و محبت‌آمیز بستری برای ایجاد الفت و همبستگی است؛ چه اینکه از اساس یکی از فلسفه‌های پافشاری اسلام بر دوستی و محبت در جامعه همین است که افراد در این راه به همبستگی و همدلی برسند و برای دستیابی به تعالی فردی و اجتماعی، شریک یکدیگر در سیر الی‌الله باشند. به راستی دوستی مورد تأکید اسلام، ودیعه‌ی گران‌سنگ الهی است که وحدت‌آفرین بوده و دل‌های انسان‌ها را به هم پیوند می‌دهد و انگیزه‌ای می‌شود تا انسان‌ها، دلسوز یکدیگر، همدم و همراه باشند، این راستینگی است که خداوند در سوره‌ی مبارکه‌ی توبه به آن اشاره فرموده است: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...» (التوبه/۷۱): مردان و زنان با ایمان، ولی و دوست یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.

در این آیه‌ی شریفه نخست به دوستی و ولایت مؤمنین نسبت به یکدیگر اشاره می‌فرماید و سپس به بیان برپایی امر به معروف و نهی از منکر در میان جامعه‌ی اسلامی می‌پردازد تا نشان دهد مردان و زنان مؤمن با همه‌ی فراوانی و پراکندگی افرادشان، از روی ایمان، ولایت و دوستی که نسبت به یکدیگر دارند، یکپارچه بوده و همه در حکم یک تن واحدند و از این رو برخی از ایشان، کارهای برخی دیگر را عهده‌دار می‌شوند و هر یک، دیگری را به معروف امر می‌کند و از منکر بازمی‌دارد؛ این در حالی است که نقطه‌ی روبروی ایشان، منافقینی هستند که هرچند در ظاهر، خود را یکپارچه نشان می‌دهند؛ ولی چون دوستی و محبت حقیقی میان ایشان استوار نیست: «...تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى...» (الحشر/۱۴) در بزنگاه‌ها و هنگام بروز منافع شخصی، وفادار نیستند و وحدتشان ظاهری و صوری بوده و علیه یکدیگر اقدام می‌کنند.

افزون بر بیان قرآن کریم درباره‌ی پیوندهای دوستی و محبت با همبستگی و الفت، در روایات نیز به این پرمسلمان اشاره شده است. در همین زمینه امیرمؤمنان علی علیه السلام کارایی دوستی در ایجاد همبستگی را به اندازه‌ای می‌داند که گویی دوستان، یک روح در اجسام گوناگون هستند: «الأصدقاء نفس واحدة في جُسومٍ مُتَفَرِّقَةٍ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق، ۱۱۵).

بنابراین برابر با آیات و روایت بالا، اسلام، دوستی و محبت را در ایجاد همبستگی و الفت کارآمد می‌داند؛ از همین رو گاهی که میان دوستان و محبتین دودستگی ایجاد می‌گردد، تأکید اسلام، ناهمگونی



زدایی و اصلاح ذات بین است تا دوباره پیوند یکپارچه و بر پایه‌ی الفت میان مسلمانان ایجاد گردد. بر همین اساس قرآن کریم پس از اشاره به پیوند محبت‌آمیز و برادرانه‌ی مؤمنین نسبت به یکدیگر، در دستوری همگانی، از کسانی که دادخواهی ایمان دارند، می‌خواهد تا گاهی که میان برادران ایمانی ایشان ناسازگاری بروز یافت، اصلاح ذات بین را در دستور کار قرار دهند: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ...﴾ (الحجرات/۱۰)، ﴿...وَاصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (الأنفال/۱).

پس اصلاح ذات البین یکی از بایستگی‌ها در جامعه‌ی اسلامی است تا کسانی که از روی حبّ ایمان، پیوندهای ایشان برادرانه و محبت‌آمیز است، با گرفتار شدن در دام ناسازگاری‌ها، همبستگی و الفت میان یکدیگر را از دست ندهند و دوگانگی‌ها، ستیزها و کشمکش‌هایی که جامعه‌ی اسلامی را از درون گسیخته می‌سازد، رها سازند. البته مراد از اصلاح ذات البین از بین بردن سلیقه‌های گوناگون و همسان‌سازی نیست؛ زیرا از اساس در نهاد آدمی دودستگی‌هایی از نظر جسمی و روحی با یکدیگر وجود دارد: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا...﴾ (الحجرات/۱۳) که این به جدایی سلیقه و شیوه‌های زندگی افراد می‌انجامد و به خودی خود امری دلخواه و بلکه بایسته برای رشد جامعه است.

۵. تحلیل پیوستگی همبستگی، الفت و محبت خدا

پیش از هر چیز باید به این نکته اشاره کرد که پیوند مستقیم محبت و مودت ذی القربی ﷺ با محبت و مودت خداوند امری مفروض و ثابت شده است؛ چه اینکه در بسیاری از گزاره‌های ادبیات دینی این پیوند هویداست. برای نمونه امام هادی ﷺ در زیارت مأثور جامعه‌ی کبیره می‌فرماید: «...وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۱۳۲/۹۹): و هر کس شما را دوست بدارد، بی‌گمان خدا را دوست داشته است و هر کس به شما کینه ورزد، بی‌گمان به خدا کینه ورزیده است.

همچنین نبی اکرم ﷺ درباره‌ی امام حسین ﷺ فرمودند: «حُسَيْنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْ حُسَيْنٍ أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا» (مفید، ۱۴۱۳، ق، ۱۲۷/۲؛ علم‌الهدی، ۱۹۹۸، م، ۲۱۹/۱): حسین از من است و من از حسینم، خداوند دوست بدارد کسی را که حسین را دوست بدارد.

ایشان همانند همین گفتار را پیرامون حضرت زهرا ﷺ اشاره می‌کنند: «إِنَّ اللَّهَ يُغْضِبُ لِعُضْبِكَ وَيَرْضَىٰ لِرِضَاكِ» (حاکم نیشابوری، ۱۴۳۵، ق، ۱۶۷/۳؛ عسقلانی، ۱۴۱۵، ق، ۳۷۸/۴): خدا به سبب غضب تو غضبناک و با رضایت تو راضی می‌شود.

بنابراین در به هم پیوستگی میان محبت خدا با مودت ذی القربی ﷺ گمانی باقی نمی‌ماند، بر همین اساس نمی‌توان بدون نگاه به محبت خدا، جستاری دقیق و جامع نسبت به پیوند ارزش اخلاقی

همبستگی و الفت با مودت ذی القربی علیه السلام نمایاند و بی‌گمان بازنمایی مودت محور بودن ارزش‌های اخلاقی یاد شده، بدون نگرش محبت خداوند کاری ناقص و ابر خواهد بود.

برابر آیات قرآن کریم، همبستگی و الفت، محبت‌های اعطایی از سوی خداوند به جامعه‌ی اسلامی است. خداوند متعال در سوره‌ی مبارکه‌ی آل‌عمران، نخست به وحدت فرمان می‌دهد و سپس به این گزاره اشاره می‌فرماید که الفت میان مسلمانان پس از دشمنی و دودستگی میان ایشان، یک نعمت بزرگ و لطف خداوندی است که انگیزه‌ای شد تا مؤمنین از روی رحمت و محبت خدا با یکدیگر برادر شوند: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (آل‌عمران/ ۱۰۳). همچنین مشابه همین پنداره در سوره‌ی مبارکه انفال است که خداوند بدین نکته اشاره دارد که اگر لطف و محبت خدا در تألیف قلوب مؤمنین نبود، هیچ کس حتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز نمی‌توانست این الفت را میان جامعه‌ی ایمانی پدید آورد: «وَ أَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ...» (الأنفال/ ۶۳).

بنابراین برابر این آیات شریفه، ایجاد الفت و همبستگی در میان امت اسلامی، از روی لطف و محبت خداوند نسبت به این امت است.

پیوند محبت خدا و همبستگی و الفت را می‌توان از زاویه‌ی دیگری نیز مورد بررسی موشکافانه قرار داد. به راستی الفت و همبستگی میان مسلمانان، مایه‌ی جلب رضایت و محبت خداوند نسبت به امت اسلامی می‌شود. در این زمینه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَىٰ يَرْضَىٰ لَكُمْ... أَنْ تَعْتَصِمُوا بِحَبْلِهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا...» (متقی الهندی، ۱۴۱۳ ق، ۱/۱۷۷): خداوند برای شما پسندید و رضایت داده که به ریسمان خدا چنگ زنید و متفرق نشوید.

بنابراین کسب عنایت و رحمت الهی از مهم‌ترین خواسته‌های هر انسان مسلمان و مؤمنی است و اجتماعی که بخواهد به رحمت الهی برسد و از آن بهره‌مند شود، باید به همبستگی و الفت همچون مهم‌ترین انگیزه‌ی دریافت رحمت الهی بنگرد؛ چراکه امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: «... فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ [عَلَىٰ] مَعَ الْجَمَاعَةِ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْفُرْقَةَ...» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق، ۱۸۴).

بر این اساس، زمانی که میان افراد جامعه همبستگی و الفت استوار باشد، رحمت و محبت خدا را نسبت به خود جلب کرده و مشمول برکات و توفیقات الهی می‌شوند؛ لیکن آنگاه که دودستگی و تفرقه میان افراد حکم‌فرما شود، خداوند برکات خود را دریغ می‌دارد و تأییدات و توفیقات خود را از آنان سلب می‌کند. در همین زمینه حضرت علی علیه السلام فرمودند: «... فَإِيَّاكُمْ وَ التَّلَوْنَ فِي دِينِ اللَّهِ فَإِنَّ جَمَاعَةً فِيمَا تَكْرَهُونَ مِنَ الْحَقِّ خَيْرٌ مِنْ فُرْقَةٍ فِيمَا تُحِبُّونَ مِنَ الْبَاطِلِ وَ إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يُعْطِ أَحَدًا بِفُرْقَةٍ خَيْرًا مِمَّنْ مَضَىٰ وَ لَا مِمَّنْ بَقِيَ» (همان، ۲۵۵): از چند رنگی و دوگانگی در دین خدا پرهیزید؛ زیرا یکپارچگی در آنچه حق است؛ ولی شما آن را ناخوش می‌دارید، از پراکندگی در آنچه باطل است؛ اما خوشایند شماست،



بهتر است. خدای سبحان به هیچ‌یک از گذشتگان و باقی ماندگان بر اثر تفرقه و جدایی، خیر و خوبی عطا نکرده است.

از همین رو، محبتین و مشتاقین الهی، باید همه‌ی همت خویش را به کار گیرند تا همبستگی و الفت میان خود با دیگران و نیز میان جامعه‌ی ایمانی، روز به روز تقویت گردد تا بیشتر دربرگیرنده‌ی عنایات الهی و محبت ویژه‌ی او گردند. در همین راستا بایسته است تا محبتین خدا با سازه‌های زدایش همبستگی و الفت مبارزه کرده و در نکاتی که با ناسازگاری و کشمکش‌ها روبرو می‌شوند، به بازسازی ذات البین و زدودن ناسازگاری در راستای محبت خدا پردازند. در این زمینه امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «صَدَقَةٌ يُجِبُّهَا اللَّهُ: إِصْلَاحُ بَيْنِ النَّاسِ إِذَا تَفَاسَدُوا وَ تَقَارُبُ بَيْنِهِمْ إِذَا تَبَاعَدُوا» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۲/۲۰۹): ایجاد وحدت هنگام پیدایش دودستگی و تباهی امت و نزدیک کردن آنها در هنگام جدایی، صدقه‌ای است که خداوند آن را دوست دارد.

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ابو ایوب سفارشی پیرامون جلب محبت و دوستی خداوند کرده و به گزاره‌ی اصلاح ذات‌البین اشاره می‌فرمایند: «يَا أَبَا أَيُّوبَ أَلَا أُخْبِرُكَ وَأَذَلُّكَ عَلَى صَدَقَةٍ يُجِبُّهَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ تُصْلِحُ بَيْنَ النَّاسِ إِذَا تَفَاسَدُوا وَ تَبَاعَدُوا» (کراجکی، ۱۴۱۰ ق، ۶؛ دیلمی، ۱۳۸۵ ش، ۱/۱۹۵): ای ابو ایوب! آیا تو را به صدقه‌ای که خدا و رسول او آن را دوست دارند، آگاه و راهنمایی نکنم؟ - آن صدقه این است که - هرگاه مردم با هم بد شدند و از یکدیگر دوری کردند، میان آنها را اصلاح کنی.

پیوند همبستگی و الفت با محبت خدا، از راه دیگری نیز قابل بررسی و بازنمایی است. از اساس محب حقیقی، هر آنچه محبوب او می‌پسندد، اعم از اعمال یا افراد را دلپذیر می‌شمارد و از همین رو محب با کسانی که محبوب، به ایشان علاقه‌مند است، به نیکی برخورد کرده و از روی دوستی محبوب نسبت به آنان، وی نیز چنین افرادی را دوست می‌دارد. حال اگر محبوب، خداوند عزوجل و محب، انسان‌های نیک‌سیرت باشند، بدیهی است که محبتین الهی، دوستان خداوند که همانا مؤمنین هستند: «... بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ...» (المائده/۵۴) را دوست خود شمرده و در راستای همبستگی و الفت با ایشان قدم خواهند گذاشت. به تعبیر دیگر، دوستی برای خداوند متعال، پایه و اساس زندگی انسان مسلمان و شالوده‌ی همه‌ی محبت‌ها و سرچشمه‌ی همه‌ی دوستی‌هاست. فردی که خدادوست است و به او محبت دارد، برای خدا و در راه خدا به آن کس که خدایش فرمان می‌دهد و دوستی‌اش ادامه‌ی دوستی و عشق به خداست، دوستی و محبت می‌ورزد و با وی پیوند همبستگی و الفت برپا می‌کند؛ زیرا دوستی با خداوند متعال هرگز با ناسازگاری و کشمکش با اولیای او سازگاری ندارد. در این زمینه امام باقر علیه السلام فرمودند: «إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّ فِيكَ خَيْرًا فَانظُرْ إِلَى قَلْبِكَ فَإِنْ كَانَ يُحِبُّ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ وَ يُبْغِضُ أَهْلَ مَعْصِيَتِهِ فَفِيكَ خَيْرٌ وَ اللَّهُ يُحِبُّكَ وَ إِنْ كَانَ يُبْغِضُ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ وَ يُحِبُّ أَهْلَ مَعْصِيَتِهِ فَلَيْسَ فِيكَ خَيْرٌ وَ اللَّهُ يُبْغِضُكَ وَ الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۲/۱۲۷): اگر خواسته باشی بدانی که

خیری در تو وجود دارد، به قلب خود نگاه کن و ببین اگر اهل طاعت خداوند عزوجل را دوست می‌داری و با معصیت‌کاران دشمنی می‌ورزد، بدان که در تو خیر هست و خداوند تو را دوست می‌دارد؛ ولی چنانچه با اهل طاعت خداوند دشمنی می‌ورزد و معصیت‌کاران را دوست می‌دارد، بدان که خیری در تو نیست و خداوند نیز تو را دوست نمی‌دارد و آدمی همراه آن کسی است که دوست می‌دارد.

بنابراین همبستگی و الفت با برادران دینی، نشانه‌ای از صدق مدعای محبین الهی است و بی‌گمان انسانی که برای خدا دوست بدارد و برای خدا دشمنی ورزد و در راه خدا با برادران دینی یکپارچه و یکرنگ باشد، توحید ناب را به قلبش می‌نشانند و دلش را برای خداوند متعال پاک و سره می‌گرداند. در همین زمینه پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «وَدُّ الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ فِي اللَّهِ مِنْ أَعْظَمِ شُعَبِ الْإِيمَانِ وَمَنْ أَحَبَّ فِي اللَّهِ وَابْتَغَضَ فِي اللَّهِ وَاعْتَصَى فِي اللَّهِ وَامْتَنَعَ فِي اللَّهِ فَهُوَ مِنْ أَصْفِيَاءِ اللَّهِ» (همان، ۱۲۵): دوستی و محبت مؤمن نسبت به مؤمن از برترین شاخه‌های ایمان است؛ بدانید هر کس برای خدا دوست داشت و برای خدا دشمنی ورزید و برای او بخشید و برای او بازداشت، از برگزیدگان خداوند است.

پس پیوند مستقیم میان همبستگی و الفت با محبت و دوستی خداوند، امری قطعی و غیرقابل انکار است.

۶. هم‌سنجی همبستگی و الفت با مودت ذی‌القربی ﷺ

یکی از مهم‌ترین سازه‌هایی که مایه‌ی همبستگی و الفت میان عموم مسلمانان می‌شود، دوستی و محبت نسبت به پیامبر اکرم ﷺ و اهل‌بیت پاک آن حضرت ﷺ است؛ چراکه وجه مشترک همه‌ی مسلمانان عالم اعم از امامیه و عامه در طول تاریخ - به جز عده‌ی معدودی که از نواصب بودند - محبت به اهل‌بیت ﷺ بوده است و این گزاره، ویژه‌ی گروه یا مذهب ویژه‌ای در اسلام نیست.

بنابراین یکی از سازه‌های وحدت‌بخش و الفت‌زا، مودت مسلمانان نسبت به اهل‌بیت ﷺ است که می‌توان بر این مبنا میان مسلمانان عالم، اجتماعی ایجاد کرد و محوری برای همبستگی در میان آنان تشکیل داد. در همین زمینه، امام باقر ﷺ حب و دوستی نسبت به اهل‌بیت ﷺ را مایه‌ی نظام و یکپارچگی دین معرفی می‌فرماید: «...حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ نِظَامُ الدِّينِ...» (طوسی، ۱۴۱۴، ق، ۲۹۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۱۸۳/۷۸). همچنین رسول خدا ﷺ به امیرالمؤمنین ﷺ فرمودند: «إِنَّ بِنَا خَتَمَ اللَّهُ الدِّينَ كَمَا بِنَا فَتَحَهُ - وَ بِنَا يُؤَلَّفُ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ بَعْدَ الْعَدَاوَةِ وَ الْبَغْضَاءِ» (مفید، ۱۴۱۳، ق، ۲۵۱؛ طوسی، ۱۴۱۴، ق، ۲۱): خداوند دین را به ما ختم کرد، چنانکه با ما آغازش نمود و به وسیله‌ی ما میان دل‌های شما، پس از دشمنی و کینه‌توزی، الفت می‌افکند.

پس محبت و دوستی نسبت به اهل‌بیت ﷺ یکی از سازه‌هایی است که همبستگی و الفت میان جامعه‌ی اسلامی را به ارمغان می‌آورد؛ این جستار درباره‌ی شیعیان، نمود بیشتری دارد؛ چراکه بخاطر وجود باورهای مشترک بیشتر و نقطه‌ی وصلی که از روی ولایت اهل‌بیت ﷺ با یکدیگر دارند، بیشتر با



هم انس گرفته و پیوند خورده‌اند. به راستی ولایت و امامت حضرات معصوم علیهم‌السلام انگیزه‌ی انس و الفت میان شیعیان است و به تعبیری، شیعه نخست با امام خود مانوس و مألوف می‌شود و سپس به وسیله‌ی ایشان، با دیگر پیروان ائمه علیهم‌السلام انس و الفت می‌گیرند.

این سخن، برابر فرمایش امّ الأئمه حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام است که در فرازی از خطبه‌ی فدکیه فرمودند: «...وَإِمَامَتَنَا أَمَانًا مِنَ الْفُرْقَةِ...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۲۲۳/۲۹ طبرسی، ۱۴۰۳، ق، ۱/۹۷)؛ و رهبری ما را سبب ایمنی از تفرقه و پراکندگی قرار داد.

بنابراین ولایت و امامت ائمه علیهم‌السلام مصداق بارز جبل‌الله است که اعتصام و دست‌یازی به آن مایه‌ی وحدت و الفت جامعه می‌شود. این پرسمان در احادیث یاد شده و آیه‌ی شریفه‌ی سوره‌ی آل‌عمران تبیین شده است. برای نمونه امام صادق علیه‌السلام مصداق جبل‌الله را اهل‌بیت علیهم‌السلام معرفی می‌فرمایند: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا نَحْنُ الْحَبْلُ» (طوسی، ۱۴۱۴، ق، ۲۷۲؛ کوفی، ۱۴۱۰، ق، ۹۱؛ حسکانی، ۱۴۱۱، ق، ۱/۱۶۹) و امام باقر علیه‌السلام آن را به ولایت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام معرفی کرده‌اند که هر کس آن را واگذارد از ایمان خارج شده است: «وَلَايَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه‌السلام الْحَبْلُ الَّذِي قَالَ اللَّهُ [تَعَالَى فِيهِ] وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا فَمَنْ تَمَسَّكَ بِهِ كَانَ مُؤْمِنًا وَمَنْ تَرَكَهُ خَرَجَ مِنَ الْإِيمَانِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۱۸/۳۶؛ کوفی، ۱۴۱۰، ق، ۹۰)؛ ولایت علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام ریسمانی است که خدای تعالی فرمود: و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید؛ پس هر کس به آن چنگ بزند مؤمن است و هر که آن را واگذارد، از ایمان خارج است.

ایشان در فرمایشی دیگر به تفرقه در امت و دستور حضرت حق به اجماع در ولایت آل محمد علیهم‌السلام اشاره می‌کنند: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلِمَ أَنَّهُمْ سَيَتَفَرَّقُونَ بَعْدَ نَبِيِّهِمْ وَيَخْتَلِفُونَ فَتَهَاؤُهُمْ عَنِ التَّفَرُّقِ كَمَا نَهَى مَنْ كَانَ قَبْلَهُمْ فَأَمَرَهُمْ أَنْ يَجْتَمِعُوا عَلَىٰ وَلَايَةِ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم‌السلام وَلَا يَتَفَرَّقُوا» (قمی، ۱۳۶۳، ش، ۱۰۸/۱)؛ چون خداوند می‌دانست امت پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ناسازگاری خواهند کرد و پراکنده می‌شوند، در همین راستا از تفرقه نهی کرد، چنانکه امت‌های پیشین را نیز نهی فرمود و دستور داد به آنها که هم‌رأیی در ولایت آل محمد علیهم‌السلام کنند و پراکنده نشوند.

بنابراین ولایت و دوستی اهل‌بیت علیهم‌السلام عروة الوثقی است که شیعیان دست بدامن آن شده و در سایه‌سار آن با یکدیگر وحدت و الفت دارند. به راستی ولایت اهل‌بیت علیهم‌السلام با نفوس پیروان خود کاری می‌کند که همگی در یک خط و راستا و به دور از تعارضات معمول باشند؛ زیرا ولایت معصومین علیهم‌السلام با حاکمیت بر بواطن و ظواهر افراد، مایه‌ی رفع ناسامانی‌های آنان می‌شود و درگیری‌ها را پایان می‌دهد. در این زمینه امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «...نَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ النَّعِيمِ الَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ بِنَا عَلَى الْعِبَادِ وَبِنَا ائْتَلَفُوا بَعْدَ مَا كَانُوا مُخْتَلِفِينَ وَبِنَا أَلْفَ اللَّهِ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ فَجَعَلَهُمْ إِخْوَانًا بَعْدَ أَنْ كَانُوا أَعْدَاءً...» (عیاشی، ۱۳۹۵، ش، ۱۵۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۴۹/۲۴)؛ ما خاندان نعمتی هستیم که خداوند به بندگان عطا کرد و به وسیله‌ی ما ناسازگاری آنان به ائتلاف گرایید و به وسیله‌ی ما خداوند، میان دل‌هایشان الفت



انداخت و آنان را که دشمن یکدیگر بودند، به برادر تبدیل کرد.

همچنین در زیارت جامعه‌ی کبیره خطاب به حضرات معصوم علیهم‌السلام عرضه می‌داریم که به برکت ولایت و دوستی نسبت به شماست که جدایی به همبستگی انجامید: «...بِمُؤَالَاتِكُمْ... اِئْتَلَفَتِ الْفُرْقَةُ...» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ۶۱۶/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۱۳۲/۱۰۲). در روایتی رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم محور بودن وجود امام و رهبر در جامعه را گوشزد کرده و خطاب به ائمه علیهم‌السلام می‌فرماید: «... فَأَنْتُمْ أَهْلُ اللَّهِ - عَزَّ وَ جَلَّ - الَّذِينَ بِهِمْ تَمَّتِ النُّعْمَةُ وَ اجْتَمَعَتِ الْفُرْقَةُ وَ ائْتَلَفَتِ الْكَلِمَةُ...» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۴۴۶/۱): شما اهل بیت، اهل الله هستید که به برکت شما نعمت کامل گشته و پراکندگی برطرف شده و همبستگی کلمه پدید آمده است.

پیرامون احادیث و مطالب بالا، دو نکته شایسته است:

نخست: سازگاری و جدایی عمل شیطان است که با بدگمانی و تلقین خود در گستره‌ی افکار، اقوال و اعمال، انگیزه‌ای می‌شود تا شیعیان از انس و الفت با امام خود جدا شده و از او دور گردند؛ چه اینکه می‌داند پیوست به امام معصوم علیه‌السلام مایه‌ی انس و الفت مردم با یکدیگر و همبستگی، گرد محور ولایت می‌شود که این گزاره، آرمان‌ها و برنامه‌های ابلیس را با دشواری رویارو می‌سازد و ابلیس از اجتماع مؤمنین زیر سایه‌ی ولایت اهل بیت علیهم‌السلام گریزان است؛ بنابراین همه‌ی همّت خود را به کار می‌گیرد تا اجتماع مؤمنین شکل نگرفته و از شیوه‌هایی که اشاره شد، میان شیعیان و امام خود جدایی افکند که بدین گونه همبستگی و الفت شیعیان با یکدیگر نیز نابود می‌گردد. از همین رو اگر در روایات بالا به کارایی ولایت اهل بیت علیهم‌السلام در رفع دودستگی و ایجاد همبستگی و الفت اشاره می‌شود، به همین سبب است که حضرات آل الله علیهم‌السلام اصل و فرع حق هستند که اگر شیعیان در مدار ولایت آنان کنار یکدیگر درآیند، همه‌ی پراکندگی‌ها زدوده می‌شود.

دوم: یکی دیگر از آثار اعتصام به حبل الله یعنی ولایت اهل بیت علیهم‌السلام این است که آدمی از گناهان و نیز دشمنان معصومین کناره می‌گیرد و به برکت ولایت و دوستی اهل بیت علیهم‌السلام با میل بسیار و نه از سر اجبار به همبستگی و الفت با دیگر شیعیان درآمده و از آن سو از دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام تبری می‌جوید. البته نگرش کناره‌گیری نسبت به گناهان، عدم ارتکاب به معاصی نیست؛ بلکه فرد، نسبت به ارتکاب معاصی، کراهت و بغض خواهد داشت که قرآن کریم فرمود: «... وَ لَكِنَّ اللَّهَ حَبَبٌ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَ زَيَّنَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَرِهَ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ...» (الحجرات/۷) و نیز امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «حُبُّ [آمیرالمؤمنین] عَلِيِّ [بن ابی طالب] علیه‌السلام إِيْمَانٌ وَ بُغْضُهُ نِفَاقٌ ثُمَّ قَرَأَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ حَبَبٌ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ...» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۲۹۳/۳۹)، «حُبُّنَا إِيْمَانٌ وَ بُغْضُنَا كُفْرٌ ثُمَّ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ حَبَبٌ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَ زَيَّنَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ» (همان، ۳۶۸/۲۳؛ کوفی، ۱۴۱۰ ق، ۴۲۸).

بنابراین هرچند محبتین اهل بیت علیهم‌السلام مرتکب معصیتی می‌شوند؛ اما معصیت، عمل موقت آنها و نه باور قطعی آنان است.



آنچه تاکنون به آن اشاره شد، کارایی محبت و دوستی نسبت به اهل بیت علیهم السلام در ایجاد همبستگی و الفت میان امت اسلامی است؛ لیکن پیوند همبستگی و الفت با محبت و دوستی اهل بیت علیهم السلام از زاویه‌ی دیگری نیز درخور بررسی است.

بدین معنا که برابر روایات، همبستگی و الفت مایه‌ی جلب محبت و دوستی حضرات معصومین علیهم السلام می‌شود. در همین زمینه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَحَبِّكُمْ إِلَيَّ وَأَقْرَبِكُمْ مِنِّي... الَّذِينَ يَأْلُقُونَ وَيُؤْلُقُونَ...» (طبرانی، ۱۳۹۸، ق، ۷/۳۵۰؛ متقی الهندی، ۱۴۱۳، ق، ۳/۱۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۷/۳۸۳): محبوب‌ترین‌های شما در نزد من کسانی هستند که با مردم الفت می‌گیرند و مردم با آنها الفت می‌پذیرند. ایشان در فرمایش دیگر، نزدیک‌ترین افراد به خود در روز قیامت را کسانی می‌دانند که از راه همبستگی و الفت با مردم به ایشان نزدیک‌ترند: «أَقْرَبُكُمْ مِنِّي فِي الْمَوْقِفِ غَدًا... أَقْرَبُكُمْ إِلَيَّ النَّاسُ» (مفید، ۱۴۱۳، ق، ۶۷؛ طوسی، ۱۴۱۴، ق، ۲۲۹؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ق، ۴۶).

همچنین امام باقر علیه السلام رحمت و درود خود را به کسانی می‌فرستد که میان دوستان اهل بیت علیهم السلام همبستگی ایجاد کنند و سپس به دوستان خود فرمان می‌دهند که با یکدیگر الفت داشته و مهربانی کنند: «...فَرَحِمَ اللَّهُ امْرَأًا أَلْفَ بَيْنٍ وَلَيْسَ لَنَا يَا مَعْشَرَ الْمُؤْمِنِينَ تَأَلَّفُوا وَتَعَاطَفُوا» (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ۲/۳۴۵). در پایان این فراز از نوشتار، جا دارد به فرمایش امام رضا علیه السلام خطاب به حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام اشاره شود که در آن چشمداشت و انتظار خود را از محبت و دوستان اهل بیت علیهم السلام بیان می‌فرماید که بیشترین پافشاری ایشان در این سفارش بر همبستگی، الفت و نبود دودستگی و درگیری است: «ای عبدالعظیم! سلام گرم را به دوستانم برسان و به آنان بگو: در دل‌های خویش برای شیطان راهی نگشایند... و به صله‌ی رحم و رفت و آمد با یکدیگر و پیوند گرم و دوستانه با هم دعوت کن؛ چراکه این کار مایه‌ی نزدیکی به خدا و من و دیگر اولیاست. دوستان ما نباید زمان گران‌بها و ارزشمند زندگی خود را به دشمنی با یکدیگر هدر دهند. من با خود پیمان بسته‌ام که هر کس مرتکب این گونه کارها شود یا به یکی از دوستانم و رهروانم خشم کند و به او آسیب رساند، از خدا بخواهم که او را به سخت‌ترین کیفر دنیوی مجازات کند و در آخرت نیز این گونه افراد از زیانکاران خواهند بود... جز اینکه از نیت خود بازگردند و مورد آمرزش خواهند بود؛ اما اگر همچنان بر دشمنی مانده باشند، خداوند روح ایمان را برای همیشه از دل آنان خارج ساخته و از ولایت ما نیز بیرون خواهد برد و از دوستی ما اهل بیت نیز بی‌بهره خواهند بود و من از این لغزش‌ها به خدا پناه می‌برم» (مفید، ۱۴۱۳، ق، ۲۴۱).

بنابراین، وفق ادبیات دینی چنین بازشناخته گردید که مودت ذی القربی علیهم السلام، یکی از سازه‌های ایجاد همبستگی و الفت میان مسلمانان و به ویژه شیعیان است و کسانی که بر همبستگی و وحدت میان دوستان اهل بیت علیهم السلام تأکید می‌ورزند، مورد محبت و رضای ایشان قرار دارند. البته همان گونه که در پنداره‌ی مودت ذی القربی اشاره شد، مودت به صرف دوستی نیست و همراه با فرمان‌برداری به کار می‌رود؛ از سویی همان گونه که فرمان‌برداری از خداوند مایه‌ی همبستگی است، پیروی از ولی خدا نیز



مایه‌ی وحدت در جامعه می‌شود. چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «...فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...» (النساء/۵۹)، «وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (الأنفال/۸). در این آیات و نکات مشابه دیگر، پروردگار یادآور می‌شود که راه زدودن تفرقه و همبستگی بین امت اسلامی تنها در پذیرش ولایت خدا و پیامبر ﷺ به عنوان ولیّ خداست و در ادامه، پذیرش ولایت ائمه هدی ﷺ شمرده شده و فرمان برداری از ایشان مایه‌ی همبستگی و الفت مسلمانان خواهد بود. در همین زمینه پیامبر ﷺ فرمودند: «اسْمَعُوا وَأَطِيعُوا لِمَنْ وُلاَهُ اللَّهُ الْأَمْرَ فَإِنَّهُ نِظَامُ الْإِسْلَامِ» (مفید، ۱۴۱۳ ق، ۱/۱۴): از حاکمان الهی فرمان برداری کنید و گوش به فرمان باشید؛ زیرا فرمان برداری از رهبری، مایه‌ی وحدت امت اسلام است.

۷. تحلیل اثر همبستگی و الفت در رشد معنوی انسان

پس از آنکه در جستار گذشته بازشناخته شد، همبستگی و الفت همچون ارزش‌های اخلاقی دارای پیوند تنگاتنگ با محبت خدا و مودت ذی‌القربی ﷺ است، حال بایسته است تا به واکاوی کارایی ارزش‌های یاد شده در رشد معنوی انسان پرداخته شود.

دین مبین اسلام از همه‌ی مسلمین خواسته که بر محور باورهای الهی و قرآنی همبستگی خود را حفظ کنند و برای رسیدن به خوشبختی دنیا و آخرت و قرب الهی هرچه بیشتر همدلی داشته باشند که این همبستگی و الفت بیشتر، مایه‌ی پیشرفت معنوی فرد و اجتماع شده و آثار گران‌بهایی خواهد داشت. بر همین اساس خداوند تبارک و تعالی در آیات گوناگون قرآن کریم به این مهم اشاره فرموده است که برای نمونه به چند آیه اشاره می‌شود.

قرآن کریم در آیه‌ی ۱۰۳ سوره‌ی مبارکه‌ی آل‌عمران که پیش‌تر به آن اشاره شد: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا...» (آل‌عمران/۱۰۳)، به همبستگی و الفت پیرامون محور حبل‌الله فرمان داده است. برابر احادیث بی‌شمار، مصادیق حبل‌الله دربرگیرنده‌ی قرآن (نک: سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ۲/۶۰؛ ابن‌بابویه، ۱۴۰۳ ق، ۱۳۲)، اسلام (نک: فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ۸/۳۲۹؛ ابن‌عطیه، ۱۴۲۲ ق، ۱/۴۸۴)، حضرت علی ﷺ و آل محمد ﷺ است (نک: قمی، ۱۳۶۳ ش، ۱/۱۰۸؛ بحرانی، ۱۴۲۲ ق، ۱/۳۶۹؛ حویزی، ۱۴۱۵ ق، ۱/۳۷۷) که به نظر می‌رسد با نگرش به پنداره‌ی دامنگیر حبل‌الله به معنای "وسیله‌ی ارتباط با خدا" همه‌ی این نکات را می‌توان از مصادیق ریسمان الهی دانست.

بنابراین بر اساس آیه‌ی شریفه و احادیث یاد شده، انسان برای پیمایش راه بندگی، نیازمند راهنما و انگیزه است تا در منجلااب هلاکت و سراشیبی گرفتار نگردد؛ از همین رو برای عدم سرنگونی و یا نجات از آن نیاز به ریسمان محکمی است که به آن چنگ زند و این ریسمان محکم الهی، قرآن و اهل‌بیت ﷺ است که برابر با حدیث شریف ثقلین، هر کس به این دو ریسمان محکم چنگ زند، هرگز گمراه نخواهد شد و به تعبیر دیگر در گذرگاه رشد معنوی است: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ



عِزَّتِي مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهَمَّا لَنْ تَصَلُّوا أَبَدًا...» (حدیث ثقلین با سندهای انبوه و عبارات‌های گوناگون از زبان چندین صحابی پیامبر ﷺ در منابع روایی شیعه و اهل سنت نقل شده است. برای اطلاع بیشتر ر.ک: بحرانی، ۱۴۲۲ ق، ۳۶۷-۳۰۴/۲؛ مرعشی شوشتری، ۱۳۶۹ ش، ۳۷۵-۳۰۹/۹ و ۲۶۱/۱۸-۲۸۹؛ ترمذی، ۱۴۰۳ ق، ۵-۶۶۳-۶۶۲؛ ابن ماجه، ۱۴۱۸ ق، ۲/۴۳۲؛ ابن حنبل، ۱۴۱۶ ق، ۳/۱۴ و ۱۷ و ۲۶ و ۵۹؛ ۴/۳۶۶ و ۳۷۲-۳۷۰): من در میان شما دو امانت نفیس و گران‌بها می‌گذارم، یکی کتاب خدا قرآن و دیگری عترتم اهل‌بیت را. تا زمانی که از این دو تمسک جویند، هرگز گمراه نخواهید شد.

از سوی دیگر در آیه‌ی یاد شده، خداوند به دشمنی گذشته‌ی امت و سپس تألیف قلوب و برادری میان آنها اشاره می‌کند. در میان مسلمین صدر اسلام گونه‌هایی از دودستگی قومی و طبقاتی و... وجود داشت که سبب جنگ‌ها و کشمکش‌های فراوان می‌شد و همچنین مایه‌ی کینه‌های ریشه‌دار بود؛ ولی در پرتو پذیرش ولایت الهی و نفی طاغوت، انقلابی درونی برای آنان شکل گرفت و آرمان و آماج آنان دگرگون و بین آنان محبت ایجاد شد که خداوند در آیه‌ای دیگر از این فرآیند رشد با عنوان مرگ و سپس حیات معنوی یاد می‌فرماید: «أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا...» (الأنعام/۱۲۲): آیا کسی که مرده بود، سپس او را زنده کردیم و نوری برایش قرار دادیم که با آن در میان مردم راه برود، همانند کسی است که در ظلمت‌ها باشد و از آن خارج نگردد؟!!

به راستی ریشه‌ی پذیرش ولایت الهی وحدت‌آفرین است؛ زیرا مؤمنین تنها خداوند را ولی خود می‌دانند و او یگانه راه و گذرگاه را به آنان نشان می‌دهد؛ از همین رو در پیمایش آن گذرگاه با هم وحدت دارند، حال آنکه مشرکین دارای اولیای انبوه‌اند: «أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ فَإِنَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَ هُوَ يُخْبِي الْمَوْتِي وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (الشوری/۹). این اولیای انبوه در سمت مشرکین سبب می‌شود هر ولی برای خود دعوت کند. بر همین مبنا، ظلمات که آن را گذرگاه طاغوت برمی‌شمارند، با لفظ جمع آمده و نور که راه مستقیم ولایت الهی است به صورت مفرد اشاره شده و این نشان می‌دهد که راه حق، سراسر وحدت و یگانگی است: «وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَ صَاحِبُكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (الأنعام/۱۵۳): و این است راه راست من؛ پس از آن پیروی کنید و از راه‌های - دیگر - که شما را از راه وی پراکنده می‌سازد، پیروی نکنید. اینهاست که - خدا - شما را به آن سفارش کرده است. باشد که باتقوا گردید.

به راستی فرآیند یاد شده نشان از رشد معنوی و پیشرفت اندیشه‌ای و بینشی در امت است که انگیزه‌ای شده تا دشمنی گذشته به الفت و همبستگی بدل شود و جامعه از خطر حتمی سرنگونی در آتش دودستگی و گمراهی‌ها نجات یابد و به رشد و تعالی برسد. این همان راستینگی است که خداوند در فراز پایانی آیه‌ی مورد گفتگو برای تأکید می‌فرماید: «خداوند این چنین آیات خود را روشن می‌سازد

تا هدایت شوید» که نشان می‌دهد آرمان پایانی، هدایت و رشد مؤمنین است و یکی از مهم‌ترین ابزارها و زمینه‌های آن همبستگی و الفت است. در همین زمینه امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَدْ ائْتَنَّا عَلَى جَمَاعَةٍ هَذِهِ أُمَّةٌ فِيمَا عَقَدَ بَيْنَهُمْ مِنْ حَبْلِ هَذِهِ اللَّفَةِ الَّتِي يَنْتَقِلُونَ فِي ظِلِّهَا، أَنَّهُا أَرْجَحُ مِنْ كُلِّ ثَمَنٍ، وَ أَجَلٌ مِنْ كُلِّ خَطَرٍ» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق، ۲۹۹): خداوند سبحان بر جماعت این ائمت، مدت نهاد و این رشته‌ی الفت و همبستگی را که در سایه‌ی آن زندگی می‌کنند و در پناه آن می‌آرمند، میانشان ایجاد کرد و این نعمتی است که هیچ کس از آفریدگان نمی‌تواند برای آن قیمتی برگزیند، چرا که از هر بهایی فزون‌تر و از هر مهینی مهم‌تر است.

نکته‌ی دیگر اینکه خداوند در آیه‌ی ۶۳ انفال افزون بر اینکه تألیف قلوب را به خود وابسته دانسته است: «...وَ لَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (الأنفال/۶۳) به صفت عزت و حکمت الهی اشاره می‌کند که با گزاره‌ی همبستگی و الفت هماهنگی دارد؛ چه اینکه عزت او ایجاب می‌کند که کارهایش از روی حساب باشد و دل‌های پراکنده را یکپارچه و دلبسته به پیامبر صلی الله علیه و آله سازد. از سویی بنا بر حکمت الهی، دل‌هایی که این چنین از کینه و دشمنی پاک شدند، آمادگی رشد معنوی پیدا کرده و تعالی بایسته را کسب می‌کنند تا مؤمنین بتوانند با شایستگی روحی و معنوی، در کنار حفظ همبستگی، توفیق همراهی با رسول خدا صلی الله علیه و آله و پشتیبانی و یاری ایشان و دین خدا را بیابند. از همین رو در آیه‌ی بعدی می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَ مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (همان/۶۴): ای پیامبر! خداوند و مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند، برای همیاری تو بسنده است.

گزاره‌ی الفت و همبستگی بین مؤمنین در آیات دیگری نیز بیان شده، مانند سوره‌ی مبارکه حجرات که از آن با عنوان برادری تعبیر شده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَابِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (الحجرات/۱۰): مؤمنان برادر یکدیگرند، پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید باشد که دربرگیرنده‌ی رحمت او شوید.

چند نکته را می‌بایست پیرامون آیه‌ی شریفه اشاره داشت:

نخست: اینکه هر همبستگی دلخواه اسلام نیست و نمی‌تواند مایه‌ی رشد معنوی شود؛ به راستی همبستگی‌ای که با نیت سودجویانه و در راستای غیر رضای خدا و یا در راستای تقویت جبت و طاغوت باشد، بی‌گمان دلخواه اسلام نبوده و بجای رشد، مایه‌ی نابودی معنوی و سرنگونی است. آن همبستگی و الفتی که دلخواه اسلام است، دارای شروطی همچون برای رضای خدا بودن و در راستای منافع دین اسلام است.

به راستی مبنای دین، بازسازی ریشه‌ای چالش‌هاست؛ از همین رو برای بازسازی رفتار فرد و جامعه، مبنای اندیشه‌ای و گرایش آنان را بازسازی و جستار برادری را پیش می‌کشد که الفت و همبستگی بین مسلمین پایدار و از روی باور باشد؛ زیرا دوستی دو برادر، همواره ژرف، پایدار و دو سویه است. به راستی گزینش عبارت "أخویکم" برای بیان طرح یاد شده، سراسر هوشمندانه است؛ زیرا



از اساس کم‌ترین دودستگی در اجتماع بین دو برادر رخ می‌دهد و هرگاه ناسازگاری هم بین آنها رخ دهد، همواره زودگذر است و تبدیل به کینه‌ها و دشمنی‌های ریشه‌دار نمی‌شود. از سویی حصر "انما" اضافی، نسبی و بیان‌گر این نکته است که پیوند مؤمنان، تنها پیوند برادری است و خصمانه، سودجویانه و فریبنده نیست.

از سویی چنین دوستی به سبب جاذبه‌های مادی و دنیوی نیست و برادران در برابر بیگانه یکپارچه هستند و از خطاهای یکدیگر چشم‌پوشی می‌کنند. به راستی قرآن کریم چنین پیوندی را در گستره‌ی الفت و همبستگی میان امت اسلام انتظار دارد که بارها در تعبیر گوناگون آیات و روایات از آن نام برده است. چنین همبستگی و الفتی که به تعبیر قرآن کریم برادری دینی است، به اندازه‌ی ادامه و ژرفا دارد که تا سرای آخرت نیز پایدار می‌ماند. از همین رو قرآن کریم می‌فرماید: ﴿...إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ﴾ (الحجر/۴۷). این درحالی است که دیگر همبستگی‌ها و برادری‌ها مانند برادری نسبی، در قیامت از هم گسسته خواهد شد: ﴿...فَلَا أَنسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ...﴾ (المؤمنون/۱۰۱) و تا آنجا که برادری‌ها و همبستگی‌هایی که بجز بر پایه‌ی تقوا و رضای خدا باشد، در آن روز به دشمنی بدل خواهد شد: ﴿الْإِخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ يُعْضُ بِعَعْضٍ عَدُوًّا إِلَّا الْمُتَّقِينَ﴾ (الزخرف/۶۷).

از همین رو بایسته است تا همبستگی‌ها و الفت‌ها تنها برای رضای الهی باشد که بدین گونه مایه‌ی رشد معنوی انسان شده و فرد چنان پیشرفت معنوی به دست می‌آورد که به بالاترین درجات بهشت دست می‌یابد. در همین باره رسول الله ﷺ فرمودند: «مَنْ أَخَىٰ أَخِي فِي اللَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ دَرَجَةً فِي الْجَنَّةِ لَا يَنَالُهَا بَشِيءٌ مِنْ عَمَلِهِ» (فخررازی، ۱۴۰۷ ق، ۱۰/۳؛ غزالی، بی تا، ۲۳۱/۲): هر کس به خاطر خدا برادری به دست آورد، او را به درجه‌ای - مقامی - در بهشت بالا می‌برد که با هیچ عملش به آن درجه دست نمی‌یابد.

همچنین ایشان در روایت دیگری می‌فرمایند: «مَا أَحَدَثَ رَجُلٌ أَخَا فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا بَنَىٰ اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ» (متقی الهندی، ۱۴۱۳ ق، ۴/۹؛ طبرسی، ۱۳۸۵ ق، ۲۳۰): هیچ مردی به خاطر خداوند عزوجل برادری بدست نیاورد، مگر اینکه خداوند برای او در بهشت، خانه‌ای ساخت.

این احادیث نشان‌دهنده‌ی این است که پایه‌ی همبستگی و الفت و برادری دینی مانند دیگر کارهای نیکو، باید تنها برای خدا باشد تا کارایی داشته و بدین گونه، شخص را به درجات معنوی و رشد و کمال می‌رساند.

دوم: گزاره‌ی ارزشمند، تنها ایجاد طرح دوستی و همبستگی و الفت نیست؛ بلکه مهم، پایداری آن است، از همین رو قرآن کریم در آیه‌ی یاد شده فرمان می‌دهد که اگر بین دو برادر ایمانی ناسازگاری و کشمکش پدید آمد، برادران دیگر باید بین آنها صلح ایجاد و در این راه باید تقوای الهی را رعایت کنند. این نکته‌ای است که در آیات دیگر نیز بر آن تأکید شده است: ﴿...وَالصُّلْحُ خَيْرٌ...﴾ (النساء/۱۲۸)، ﴿...وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ...﴾ (الأنفال/۱)، ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا

تَبِعُوا خُطُوبَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾ (البقره/۲۰۸). از سویی خداوند اصلاح ذات بین و تلاش برای ایجاد همبستگی و الفت میان مسلمین را بی‌پاسخ نگذاشته و آن را انگیزه‌ای برای رشد معنوی قرار داده است؛ چراکه در قرآن کریم نوید فرموده، چنین کسانی بخشش و نصیبی ویژه از ربّ العالمین دریافت خواهند کرد: ﴿مَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا...﴾ (النساء/۸۵): کسی که شفاعت - تشویق و کمک - به کار نیکی کند، نصیبی از آن برای او خواهد بود.

سوم: چنین جامعه‌ای که بر اساس اصل اخوت و بر پایه‌ی ایمان و تقوا اداره می‌شود، بی‌گمان شایسته‌ی عنایت و ویژه‌ی الهی است؛ از همین رو خداوند در پایان آیه‌ی مورد گفتگو می‌فرماید: "باشد که مشمول رحمت او شوید". «لعلّ» به معنای مقتضی و زمینه‌سازی است؛ از همین رو می‌توان چنین نتیجه‌ای گرفت که همبستگی و برادری همراه با پرهیزکاری، انسان را رشد داده و زمینه‌ساز نزول رحمت الهی هستند؛ بنابراین اگر بر فرد یا جامعه‌ای رحمت الهی نازل شد، نشان‌دهنده‌ی رشد یافتگی معنوی مشمولان آن است.

نتیجه

برابر آنچه اشاره شد، استواری همبستگی و الفت با نیک‌سیرتان از جمله ارزش‌های اخلاقی مهم به شمار می‌آید که تکمیل‌کننده‌ی مکارم اخلاقی دیگر است و می‌باید در جامعه‌ی اسلامی و میان مؤمنین بیشتر رواج یابد تا مایه‌ی رشد معنوی افزون‌تر جامعه‌ی اسلامی و دستیابی آن به آرمان‌های خود گردد. از سویی این ارزش‌های اخلاقی، دارای پیوند بنیادین با محبت و دوستی هستند؛ به گونه‌ای که همبستگی و الفت مایه‌ی استواری پیوند دوستانه و محبت‌آمیز میان انسان‌ها می‌شود و هم دوستی و محبت، زمینه‌های بایسته برای ایجاد همبستگی و وحدت میان انسان‌ها را فراهم می‌کند؛ چه اینکه وقتی بنیان جامعه بر احساس مسئولیت و همبستگی استوار شده باشد، انسان‌ها در رویارویی با مصائب و دشواری‌ها، خود را تنها نمی‌یابند. بدیهی است هنگامی که در پیوندهای اجتماعی، همبستگی و الفت برای زدودن کاستی‌ها شکل بگیرد، خود به خود محبت‌زا و دوستی‌آفرین است. از زاویه‌ی دیگر یکی از فلسفه‌های تأکید اسلام بر محبت در جامعه، قرار گرفتن افراد در گذرگاه همبستگی و الفت است تا در سایه‌ی آن کمک یکدیگر در سیر الی الله باشند.

از دیدگاه دین اسلام بین همبستگی، الفت و محبت خدا پیوندی محکم استوار است و توفیق بهره‌مندی از همبستگی و الفت، مشروط به افاضه‌ی الهی بوده و خداوند از سر محبت آن را اعطا می‌فرماید و از آن سو الفت میان مسلمین، مایه‌ی جلب رضایت و محبت خداوند نسبت به امت اسلامی می‌شود. وفق احادیث بیان شده، مودت به ذی‌القربی ﷺ از سازه‌های همبستگی و الفت میان جامعه‌ی اسلامی است. به دلیل اینکه شیعه نخست با امام خود مأنوس می‌شود و سپس به وسیله‌ی ایشان با دیگر پیروان ائمه ﷺ انس و الفت می‌گیرد؛ بنابراین محبت و مودت ائمه ﷺ عروة الوثقی است



که شیعیان به آن چنگ زده و در سایه‌ی آن با یکدیگر همبستگی و الفت دارند. بررسی ادبیات دینی اسلام نشان داد که در بایستگی همبستگی و الفت بین آحاد جامعه گمانی وجود ندارد و دین از همه‌ی مسلمین می‌خواهد که بر محور باورهای الهی و قرآنی همبستگی خود را حفظ کنند که این همبستگی و الفت، مایه‌ی رشد و پیشرفت معنوی فرد و اجتماع می‌شود. با این همه قرآن طرح اخوت و برادری که محور آن حبل الله باشد را مطرح می‌کند تا الفت و همبستگی مسلمین از روی باور و تا سرای آخرت پایدار بوده و ادامه داشته باشد. این گونه همبستگی چون برای رضای الهی است، مایه‌ی رشد معنوی انسان شده و وی را چنان پیشرفت معنوی‌ای می‌دهد که به بالاترین درجات بهشت دست یابد.



منابع

الف) کتب فارسی

۱. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، چاپ یازدهم، مشهد مقدس، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۴۰۸ ق.
۲. امید، مسعود، *فلسفه اخلاق در ایران معاصر*، چاپ اول، تهران، نشر علم، ۱۳۸۸ ش.
۳. انوری، حسن، *فرهنگ بزرگ سخن*، چاپ اول، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۱ ش.
۴. دوانی، جلال‌الدین، *اخلاق جلالی*، چاپ اول، تهران، اطلاعات، ۱۳۹۱ ش.
۵. صادقی اردستانی، احمد، *اخلاق خانواده*، چاپ پنجم، تهران، خزر، ۱۳۶۹ ش.
۶. طیب، عبدالحسین، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ دوازدهم، تهران، اسلام، ۱۳۶۹ ش.
۷. مصباح یزدی، مجتبی، *بنیاد اخلاق: روشی نو در آموزش فلسفه اخلاق*، چاپ هفتم، قم، مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۰ ش.
۸. _____، *محمدتقی، خودشناسی برای خودسازی*، چاپ شانزدهم، قم، مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۰ ش.
۹. معین، محمد، *فرهنگ معین، بی‌چا*، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۳ ش.
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از همکاران، *تفسیر نمونه*، چاپ دهم، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ ش.

ب) کتب عربی

۱۱. ابن اثیر جزیری، مبارک بن محمد، *النهایه فی غریب الحدیث و الأثر*، چاپ چهارم، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۶۷ ش.
۱۲. ابن بابویه، محمد بن علی، *المفنع*، چاپ اول، قم، مؤسسه‌ی امام مهدی علیه السلام، ۱۴۱۵ ق.
۱۳. _____، *معانی الأخبار*، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۴۰۳ ق.
۱۴. ابن حمید، صالح بن عبدالله، *موسوعه النضرة النعیم فی مکارم الاخلاق الرسول الکریم*، چاپ چهارم، جده، دارالوسیله، ۱۴۲۶ ق.
۱۵. ابن حنبل، احمد بن محمد، *مسند أحمد بن حنبل*، چاپ اول، بیروت، مؤسسه‌ی الرساله، ۱۴۱۶ ق.
۱۶. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی، *تحف العقول*، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
۱۷. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *مناقب آل أبی طالب*، چاپ اول، قم، علامه، ۱۳۷۹ ق.
۱۸. ابن فارس، احمد بن فارس، *معجم مقاییس اللغه*، چاپ اول، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۱۹. ابن ماجه، محمد بن یزید، *سنن الحافظ أبی عبدالله محمد بن یزید القزوی فی ابن ماجه*، چاپ اول، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۸ ق.
۲۰. ابن جزری، محمد بن احمد، *التسهیل لعلوم التنزیل*، چاپ یازدهم، بیروت، شرکت دار الأرقم بن أبی الأرقم، ۱۴۱۶ ق.



۲۱. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۲۲ ق.
۲۲. ابن عاشور، محمد طاهر، التحریر و التنویر، چاپ اول، بیروت، مؤسسه‌ی تاریخ العربی، ۱۴۲۰ ق.
۲۳. ابن عربی، محمد بن عبدالله، احکام القرآن (ابن عربی)، چاپ یازدهم، بیروت، دار الجیل، ۱۴۰۸ ق.
۲۴. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۲ ق.
۲۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، چاپ یازدهم، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ ق.
۲۶. ابیاری، ابراهیم، الموسوعة القرآنیة، چاپ یازدهم، قاهره، مؤسسه‌ی سجل العرب، ۱۴۰۵ ق.
۲۷. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۲۸. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، غایة المرام و حجة الخصام فی تعیین الإمام من طریق الخاص و العام، چاپ اول، بیروت، مؤسسه‌ی تاریخ العربی، ۱۴۲۲ ق.
۲۹. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، چاپ دوم، قم، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ ق.
۳۰. بقاعی، ابراهیم بن عمر، نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور، چاپ سوم، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۷ ق.
۳۱. بغوی، حسین بن مسعود، تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل، چاپ یازدهم، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۳۲. بلاذری، احمد بن یحیی، الأنساب الأشراف، چاپ اول، بیروت، مؤسسه‌ی الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۷ ق.
۳۳. بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، چاپ یازدهم، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.
۳۴. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، بی جا، بیروت، عثمان، ۱۴۰۳ ق.
۳۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، چاپ دوم، قم، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۱۰ ق.
۳۶. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.
۳۷. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
۳۸. جرجانی شریف، علی بن محمد، التعریفات، چاپ چهارم، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۰ ش.
۳۹. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، چاپ اول، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۳۷۶ ق.
۴۰. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، بی جا، بیروت، دارالتأسیل، ۱۴۳۵ ق.
۴۱. حرعاملی، محمد بن حسن، تفصیل و سبیل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، چاپ اول، قم، مؤسسه‌ی آل البیت لإحياء التراث، ۱۴۰۹ ق.
۴۲. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، چاپ اول، تهران، التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، مجمع إحياء الثقافة الإسلامیه، ۱۴۱۱ ق.

۴۳. حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی، روح البیان، چاپ اول، بیروت، دار الفکر، بی تا.
۴۴. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، چاپ چهارم، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۴۵. خرم دل، مصطفی، تفسیر نور، چاپ چهاردهم، تهران، احسان، ۱۳۸۴ ش.
۴۶. خواجه نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، أوصاف الأشراف، چاپ سوم، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
۴۷. درویش، محی الدین، اعراب القرآن الکریم و بیانه، چاپ چهارم، حمص، الارشاد، ۱۴۱۵ ق.
۴۸. دیلمی، حسن بن محمد؛ همدانی، اسماعیل ضنیغ، غرر الاخبار و درر الآثار فی مناقب ابی الائمه الاطهار علیهم السلام، چاپ اول، بی جا، دلیل ما، ۱۳۸۵ ش.
۴۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۲ ق.
۵۰. رشید رضا، محمد، تفسیر قرآن الحکیم المشهور بتفسیر المنار، بی جا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۶ ق.
۵۱. زحیلی، وهبه، التفسیر المنیر، چاپ دوازدهم، دمشق، دار الفکر، ۱۴۱۱ ق.
۵۲. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چاپ سوم، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۵۳. سمرقندی، نصر بن محمد، تفسیر بحر العلوم، چاپ یازدهم، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۶ ق.
۵۴. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، چاپ اول، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۵۵. شافعی، محمد بن ادیس، أحكام القرآن، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ ق.
۵۶. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تصحیح: صبحی صالح، چاپ اول، قم، هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۵۷. صدیق حسن خان، محمد صدیق، فتح البیان فی مقاصد القرآن، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ ق.
۵۸. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۵۹. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، چاپ اول، قاهره، مکتبه ابن تیمیه، ۱۳۹۸ ق.
۶۰. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، چاپ اول، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۶۱. _____، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۶۲. _____، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، چاپ دوم، نجف، المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ ق.
۶۳. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ ق.
۶۴. طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، بی جا، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۴ ق.
۶۵. _____، التبیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۶۶. _____، النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی، چاپ دوم، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۰ ق.
۶۷. طنطاوی، محمد سید، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، چاپ اول، قاهره، نهضة مصر، ۱۹۹۷ م.
۶۸. عراقی، محمد غازی، التفسیر الصوفی الفلسفی للقرآن الکریم، چاپ اول، دمشق، دار البشائر، ۱۴۲۶ ق.
۶۹. العسقلانی، ابن حجر، الإصابة فی تمییز الصحابة، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.



۷۰. عسکری، حسن بن عبدالله (ابوهلال)، الفروق اللغویه، چاپ پنجم، قم، موسسه النشر الإسلامی، ۱۳۹۰ ش.
۷۱. علم‌الهدی، علی بن الحسین، الأملی، چاپ اول، قاهره، دار الفکر العربی، ۱۹۹۸ م.
۷۲. علی بن الحسین، الصحیفه السجادیه، چاپ اول، قم، انتشارات الهادی، ۱۳۷۶ ش.
۷۳. عیاشی، محمد بن مسعود (السلمی السمرقندی)، تفسیر العیاشی، چاپ اول، تهران، المکتبه العلمیه، ۱۳۸۰ ق.
۷۴. _____، الدعوات، چاپ اول، بی‌جا، ذوی القربی، ۱۳۹۵ ش.
۷۵. غزالی، محمد، احیاء علوم‌الدین، چاپ اول، دمشق، دارالکتب العربی، بی‌تا.
۷۶. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، کنز‌العرفان فی فقه القرآن، چاپ پنجم، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۳ ش.
۷۷. قتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، چاپ اول، تهران، نشر نی، ۱۳۶۶ ش.
۷۸. فضل‌الله، محمد حسین، من وحی القرآن، چاپ یازدهم، بیروت، دار الملائک، ۱۴۱۹ ق.
۷۹. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح‌الغیب)، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۸۰. _____، المطالب‌العالمیه من العلم الإلهی، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۸۱. فراء، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، چاپ دوازدهم، قاهره، هیئته المصریه العامه للکتاب، ۱۹۸۰ م.
۸۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب‌العین، چاپ دوم، قم، انتشارات هجرت، ۱۴۰۹ ق.
۸۳. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الصافی، چاپ دوم، تهران، انتشارات الصدر، ۱۴۱۵ ق.
۸۴. فیومی، أحمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب‌الشرح الکبیر، چاپ دوم، قم، موسسه دار الهجره، ۱۴۱۴ ق.
۸۵. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، چاپ اول، تهران، انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۶۴ ش.
۸۶. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، چاپ سوم، قم، دار‌الکتاب، ۱۳۶۳ ش.
۸۷. کراجکی، محمد بن علی، کنز‌الفوائد، بی‌جا، قم، دار‌الذخائر، ۱۴۱۰ ق.
۸۸. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تصحیح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، چاپ چهارم، تهران، دار‌الکتب‌الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۸۹. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات‌الکوفی، چاپ اول، تهران، مؤسسه‌ی طبع و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۹۰. المتقی‌الهندی، کنز‌العمال، بی‌جا، بیروت، الرساله، ۱۴۱۳ ق.
۹۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم‌السلام، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۹۲. محقق‌حلی، جعفر بن حسن، شرایع‌الاسلام فی مسائل‌الحلال و الحرام، چاپ سوم، تهران، بنیاد معارف اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
۹۳. مراغی، احمد مصطفی، تفسیر‌المراغی، چاپ اول، بیروت، دار‌الفکر، بی‌تا.
۹۴. مرعشی‌شوشتری، نورالله، احقاق‌الحق و ازهاق‌الباطل، چاپ اول، قم، کتابخانه آیه‌الله مرعشی‌نجفی، ۱۳۶۹ ش.

۹۵. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الإختصاص، چاپ اول، قم، المؤتمر العالمي لالفية الشيخ المفيد، ۱۴۱۳ ق.
۹۶. _____، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، قم، كنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۹۷. _____، الأمالی، چاپ اول، قم، كنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۹۸. _____، المقنعة، چاپ دوم، قم، مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۴۱۰ ق.
۹۹. مقدّس اردبیلی، احمد بن محمد، زبدة البيان في أحكام القرآن، چاپ اول، تهران، مكتبة المرتضوية، بی تا.
۱۰۰. نظام الاعرج، حسن بن محمد، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، چاپ یازدهم، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۶ ق.
۱۰۱. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ اول، قم، مؤسسه‌ی آل‌البتی، ۱۴۰۸ ق.
۱۰۲. نهاوندی، محمد، نفحات الرحمن في تفسير القرآن، چاپ یازدهم، قم، مؤسسه‌ی البعثة، ۱۳۸۶ ش.
۱۰۳. هیثمی، أبو الحسن نور الدین علی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بی جا، قاهره، مكتبة القدسی، ۱۴۱۴ ق.

ج) مقالات

۱۰۴. شهرکی فلاح، غلامرضا، «حوزه‌های وحدت، عوامل و راه‌کارهای ایجاد آن از منظر قرآن»، فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۳۳، ۱۳۹۷ ش.
۱۰۵. نجفی، حسن؛ وفايي، رضا؛ ملكي، حسن، تبیین ابعاد و مؤلفه‌های رشد معنوی انسان و تحلیل آن در محتوای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران، مجله مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۱، ۱۳۹۴ ش.